

دوره جدید - شماره شصت و یکم
ضمیمه روزنامه اصفهان زیبا - مردادماه ۱۴۰۵ - هفته اول

همه محله

ستاره عسکریه

نگاهی به تاریخ، فرهیختگی ها، ایثارگری ها
و مشکلات محله عسکریه



به همراه گفت وگوهای بانخبگان، فعالان و ایثارگران محله

سارا یزدانی (مدیر مجموعه ورزشی محله)، ابراهیم اسماعیلی (مسئول گرمابه سروش)، امیر علیزاده (کاسب قدیمی)، مهدی آبشاهی (صاحب نخستین فروشگاه پوشاک عسکریه)، حاج حسن حقانی (قدیمی ترین ساندویچ فروش محله)، امین سروری (مدرس دوره های هواضا برای کودکان و نوجوانان)، سید جعفر میر (برادر شهید سید علی میر)، امید احمدی (مسئول فرهنگی هیئت فدائیان حسین (ع)، ریحانه صادقی (فرمانده پایگاه بسیج خواهران حضرت فاطمه (س) سید حسن سجادی (رزمنده دفاع مقدس و برادر شهید سیدعلی)، محمد مهدی صالحیون (ورزشکار محله)

گفت وگو با محمد صیرفی نژاد
مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان
درباره مطالبات و پرسش های
ساکنان عسکریه ۱۴ و ۱۵

گفت وگو با دکتر محمد رضا
شاه ناصر، رئیس بیمارستان
تخصصی عسکریه درباره ترافیک
وامحای پسماندهای بیمارستانی ۱۶

روایت محمد صالح باطنی، جانشین
پایگاه مقدار از روزهای پرتبوتاب
و تجمعات شبانه مسجدالغفور ۳

محلۀ بازاری نشین

گزارشی از تاریخ، خاطرات و زندگی روزمره در محله عسکریه



عسکریه برای مردم اصفهان و چه بسا دیگر شهرها، محلۀ شناخته شده است؛ وجود بیمارستان عسکریه و امامزاده شاه میرحمزه (ع)، این محله را برای همگان نام آشنا کرده. هسته اولیه و نام گذاری این محله به سال ۱۳۴۵ برمی گردد؛ زمانی که عالمی وارسته به نام آیت الله محمدباقر زند کرمانی به تأسیس درمانگاه خیریه عسکریه اقدام کرد. این درمانگاه پیش از توسعه امروزی خود، محل خدمات پزشکی عمومی، تزریقات و پانسمان بود و ده سال بعد، یعنی در سال ۱۳۵۵ در زمان مدیریت دکترنوری و به همت هیئت امنای وقت، زمین های اطراف درمانگاه خریداری می شود و پس از الحاق آن، نام درمانگاه به بیمارستان زنان و مامایی عسکریه تغییر می یابد و به مرور فعالیت هایش گسترده می شود.

تاریخچه شکل گیری محله عسکریه

این محله در گذشته بخشی خارج از شهر اصفهان به حساب می آمده که با ساخت درمانگاه خیریه (در سال ۱۳۴۵) به عنوان یک کانون محلی در شمال شرق اصفهان شکل می گیرد. خیابان کشی ها و گسترش عسکریه به شکل امروزی در منطقه ۱۰ شهرداری و تبدیل آن به یک محله پررونق و پرتدد، مربوط به دهه های ۵۰ و ۶۰ خورشیدی و در جریان توسعه شهرنشینی است. درباره وجه تسمیه، بیشتر اهالی هم داستان اند که به دلیل نام بیمارستان، محله هم به عسکریه معروف شده است؛ اما آقای علیزاده که از کاسبان قدیمی است، می گوید که نام اولیه این محل صدرالدین بوده و در قبض هایی که در گذشته صادر می شده این نام درج شده است. اما عسکریه از سال های تأسیسش تا به امروز چه تغییراتی داشته؟ اینطور که ساکنان و کسبه قدیمی می گویند، تغییرات زیادی بعد از شکل گیری محله اتفاق افتاده است.

مهدی آبشاهی از ساکنان قدیمی عسکریه است. او که سال هاست در این محله فروشگاه پوشاک دارد، از زمین های خاکی و کشاورزی یاد می کند که سال های نه چندان دور محله بوده است. آبشاهی با اشاره به بیمارستان عسکریه می گوید: «یادم هست که مکان فعلی بیمارستان یک درمانگاه کوچک خیریه بود که مردم برای بیماری های معمولی و تزریق آمپول و پانسمان به آن مراجعه می کردند. کم کم مغازه ها ساخته شدند و بیمارستان هم گسترش یافت. این شد که زمین های کشاورزی هم به خاطر بحث شهرسازی و هم کمبود آب، تبدیل به خانه شدند و به مرور محله شکل امروز را پیدا کرد.» در اطراف محله فضاهای سبزی قرار دارد که روح تازه ای به آن می بخشد. این بوستان ها محیط عسکریه را از یک محله صرفاً تجاری خارج کرده و مردم محله را ساعتی در کنار هم جمع می کنند. پارک های محله به گونه ای مرکزی طراحی شده اند و دور تا دور آن ها خانه ها را بنا کرده اند. به گفته یکی از اهالی محله، مهندسی به نام غفوری، این سیستم را طراحی کرده و چون تحصیلاتش را در آمریکا گذرانده بود، از فضای شهری آنجا برای چنین طراحی الهام گرفته است. دلیل ساخت این فضاهای سبز نیز این بوده که خانواده ها بتوانند در طول روز همراه با فرزندانشان به این مکان ها بیایند و از آن استفاده کنند.

این بوستان ها شاهد حضور اهالی محله هستند و نیمکت ها مکانی می شوند برای گردهم جمع شدن یازنشته ها و خانواده ها. جوانان و کودکان، پیرمرد ها و پیرزن هایی که بعد از سال ها تلاش و فعالیت حالا الک کار را آویخته اند و در کنار هم از خاطرات گذشته می گویند.

محله ای برای کسب و کار



آقای سنجری و دوستش روی نیمکتی نشسته اند. به طرفشان می روم تا از گذشته محله برایمان بگویند؛ از زمانی که هنوز وسعت و جمعیت آن به اندازه امروز نبوده است. آقای سنجری اصلاً اهل محله صغیر است؛ اما سال هاست که دوستانی در عسکریه دارد. یازنشته کارخانه بافندگی است و بعد از فراغت از کار، هرروز به بوستان نزدیک خیابان سروش می آید تا دوستانش را ببیند و به گپ و گفت بنشینند. از او درباره شغل قدیم مردم می پرسم؛ زمانی که خیابان سروش یک خیابان خاکی بوده و رفت و آمد اتومبیل ها در آن به ندرت صورت می گرفته؛ وقتی که کاری ها و چرخ دستی ها سلطان بلانزاع خیابان بوده اند.

این بافنده قدیمی لبخندی به لب می آورد و درحالی که اطرافش را نگاه می کند، یادست، خانه ها و مغازه ها را نشان می دهد و می گوید: «اینجا تا چشم کار می کرد زمین کشاورزی بود. بیشتر مردم کشاورز بودند. دامداری هم بود؛ اما خیلی کمتر. بعدها که کشاورزی از رونق افتاد و این مغازه ها ساخته شد، اینجا شد محلۀ بازاری ها.»

تعداد زیادی از اهالی هم بر اینکه عسکریه محلۀ بازاری نشین است تأکید می کنند. فروشگاه های زیادی که در محله وجود دارد گواهی است بر این موضوع؛ فروشگاه هایی که بیشتر نیازهای اهالی عسکریه را تأمین می کنند. به گفته آقای علیزاده، بیشتر کسبه در کنار خانه هایشان مغازه ای باز می کردند و این مسئله را می توان در ساختار فعلی این مغازه ها دید.

داستان پارک شمس



آقای میرزایی که فروشگاه لوازم آرایشی دارد و جزو اولین های محله بوده، مشغول فروش کرم مرطوب کننده به یک مشتری است. این بازاری قدیمی به خیابان فرسان و پارک شمس اشاره می کند و می گوید: «به جای این پارک فقط درخت بود؛ درخت های بلند و انبوه که فضای ترسناکی را به وجود آورده بود. مردم خیلی جرئت نمی کردند اینجا رفت و آمد کنند. بعدها که فضای محله بیشتر شهری شد، شهرداری پارک شمس را احداث کرد. الان خدا را شکر مردم خیلی راحت ترند و همه وقت، به ویژه عصرها پارک شلوغ می شود.»

پارک شمس در مرز عسکریه و دشتستان قرار دارد و محلی است برای گذران اوقات و دورهمی های هر دو محله.

مادی مرغاب



از خیابان فرسان به سمت مادی مرغاب می رویم؛ مادی که سال های پرآبی را دیده، حالا تبدیل شده به گودالی خشک که منتظر است رودخانه پرآب شود و سهمش را از زاینده رود بگیرد. مادی اسم جالبی دارد؛ چرا به این نام معروف شده؟ آقای سنجری پاسخ می دهد: «قدیم ها که این مادی پرآب بود، پرنده ها و مرغابی ها توی آن شنا می کردند؛ برای همین به آن مرغاب می گفتند.» کمی آن طرف تر روبه روی نیمکت آقای سنجری، چند نفر از ساکنان محله کنار هم نشسته اند و مشغول گفت و گو. نزدیک می شوم و ازشان درباره محله می پرسم؛ اینکه آیا مشکلی وجود دارد که اهالی محله را به سختی بیندازد؟

منتظرم که به مشکلات زیادی اشاره کنند؛ اما همگی معتقدند عسکریه محلۀ مناسبی برای زندگی است و به جز بحث ترافیک که همه جا وجود دارد، مسئله ای نیست که زندگی را به کامشان تلخ کند.

خاطرات چوبی آقای نجار

آقای غلامی، نجار با سابقه محله عسکریه است و کارگاهی داشته که تقریباً با تأسیس محله هم سن و سال بوده. او خاطرات فراوانی از عسکریه دارد؛ از نردبان های چوبی ای که بر دیوارهای آجری و سیمانی تکیه می دادند، از کشاورزانی

پرچم ایران در دست دارد و روبه‌روی وسایل بازی کودکان، گویا منتظر نوازش است.

او که چندان علاقه‌ای به هم‌صحبتی با ما ندارد، وقتی با پرسش «قدیم‌ها رسم و رسوم عروسی توی محله چطور بود؟» روبه‌رو می‌شود، در دلش باز می‌شود و به سخن می‌آید: «قدیم‌ها مثل حالا نبود که پسر و دختر چند وقت با هم بروند و بیایند و بعد آیا ازدواجی صورت بگیرد یا نه. خود من تا زمان نامزدی همسر را ندیده بودم.»

از این خانم ساکن محله عسکریه می‌خواهم ماجرای ازدواجش را برایمان شرح بدهد. او هم با آب‌وتابی از سر یادآوری خاطرات گذشته شروع می‌کند: «حدود سیزده‌چهارده‌ساله بودم و با مادر بزرگم زندگی می‌کردم. پدر و مادرم تهران بودند. روزی در خانه را زدند و من رفتم در را باز کردم. دو خانم بودند و گفتند که با مادر بزرگ کار دارند. وقتی که رفتند، مادر بزرگم گفت خودت را آماده کن. آخر هفته مهمان داریم و زنگ زد به پدر و مادرم و گفت که بیایند اصفهان. آخر هفته مادرم مشغول پختن غذا و شستن میوه شد و دم غروب مهمان‌ها آمدند. بعد از خوردن شام و میوه و شیرینی مهمان‌ها موقع رفتن انگشتی در دست من کردند و گفتند مبارک باشد. من تا آن لحظه متوجه نشده بودم برای چه کاری آمده بودند. بعدش مادر بزرگم گفت دخترم تو حالا نامزد داری!» او سپس خیلی محکم می‌گوید: «قدیم‌ها زن‌ها فعالیت زیادی داشتند؛ از خانه‌داری بگیر تا کارهای بیرون خانه. خودم مسئول کنترل کیفیت کارخانه تولید پبله بودم. با چهارتا بچه، هم به کارهای خانه می‌رسیدم و هم شاغل بودم. زنان امروزی نسبت به گذشته کار چندان ندانند.»

خیابان خاکی چطور آسفالت شد؟



سری به بنگاه املاک آقای میرزایی می‌زنم. او در این محله به دنیا آمده و خاطرات فراوانی دارد از روزهای قدیمی آن؛ روزهایی که خیابان‌ها آسفالت نبوده و پدرش به شهرداری مراجعه می‌کند تا اوضاع را سامان بدهند. میرزایی می‌گوید: «خیابان فرسان آسفالت نبود و خیلی مایه آزار مردم شده بود. پدرم به شهرداری می‌رود و درخواست می‌کند که به محله رسیدگی بیشتری شود. شهرداری می‌گوید که هزینه آسفالت را باید خود مردم محله بپردازند و پدرم به کمک اهالی هزینه را جور می‌کند و این خیابان آسفالت می‌شود.» میرزایی به نقشه ساخت محله اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «طرح این محله را معماران آمریکایی ارائه داده بودند؛ به خاطر همین می‌بینیم که کوچه‌ها اکثراً پهن هستند و خانه‌ها دور یک فضای سبز بنا شده‌اند.»

روایت یک عروس قدیمی از خواستگاری‌اش

«عسکریه حال و هوای خودش را دارد؛ محله‌ای که خانه‌های یک طبقه و دوطبقه قدیمی را دارند می‌کوبند و آپارتمان می‌سازند.» این حرف خانمی است که توی پارک نشسته و نامش را به ما نمی‌گوید.

که برای ساخت دسته بیل و کلنگ و وسایل کشاورزی به او مراجعه می‌کرده‌اند و... که حالا دیگر خیلی از آن کارها به خاطره‌ها پیوسته‌اند. می‌گوید: «بیشتر صاحبان این خانه‌ها همان کشاورزان قدیمی محله هستند که زمین‌هایشان را به خانه تبدیل کردند و شدند اهالی محله عسکریه.» می‌پرسم از زمان کودکی‌تان و بازی‌هایی که آن زمان رایج بود چیزی به یاد دارد یا نه؟ دستش را روی پیش می‌کوبد و با هیجان پاسخ می‌دهد: «بله که به یاد دارم. هفت‌سنگ و گل یا پوچ و پله چفتک بازی می‌کردیم و از صبح تا غروب توی کوچه بودیم. بچه‌های الان از این نظر واقعاً در مضیقه هستند و شادی و نشاطی را که ما با هم سن‌وسال‌هایمان تجربه می‌کردیم آن‌ها نمی‌توانند تجربه کنند.»

بومی و مذهبی؛ دو ویژگی اهالی محله عسکریه

چند خانم دور هم نشسته‌اند و بساط چای و میوه‌شان پهن است. نزدیک می‌روم و ازشان می‌پرسم که اهل این محل هستند؟ یکی از خانم‌ها پاسخ می‌دهد که ۴۰ سال می‌شود ساکن محله شده است. او راجع به روابط همسایه‌ها و رفت‌وآمدها می‌گوید: «۴۰ سال پیش که من تازه ساکن محله شده بودم مردم بیشتر با هم در ارتباط بودند. همسایه‌ها هم خیلی با هم رفت‌وآمد داشتند؛ اما حالا این ارتباطات کمتر شده است.» بومی‌بودن اهالی محل و مذهبی‌بودن آن‌ها دو ویژگی است که خانم عبداللهی به آن اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «بیشتر همسایه‌ها سال‌های زیادی است که ساکن محله هستند و مهاجر کمتر به اینجا آمده. آن‌ها بسیار مذهبی‌اند و تا‌نگی‌ها بیشتر همدیگر را توی روضه‌ها می‌بینند یا وقت نماز توی مسجد.»

بیش از صد شب همدلی در عسکریه

روایت جانشین پایگاه مقداد از روزهای پرتب‌وتاب مسجد الغفور



در دل محله عسکریه اصفهان، مسجد الغفور سال‌هاست فراتر از یک مسجد عمل می‌کند؛ مکانی که علاوه بر اقامه نماز، به پایگاهی برای فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و جهادی تبدیل شده است. پایگاه بسیج برادران «مقداد» که در این مسجد مستقر است، از جمله پایگاه‌های فعال این محله به شمار می‌رود. محمد صالح باطنی، جانشین این پایگاه، در گفت‌وگو با «هم‌محله» از پیشینه این مجموعه و برنامه‌هایی می‌گوید که به‌ویژه در ماه‌های اخیر رنگ‌وبوی متفاوتی گرفته است.

پایگاهی که مرجع منطقه بود

جانشین فرمانده پایگاه بسیج برادران مقداد در ابتدای گفت‌وگو با اشاره به پیشینه این پایگاه می‌گوید: «پایگاه بسیج مقداد از ابتدا به شکل یک پایگاه معمولی شناخته نمی‌شد. در گذشته بیشتر به‌عنوان پایگاه یک منطقه از آن یاد می‌کردند؛ یعنی پایگاهی مرجع که برخی پایگاه‌های دیگر در محدوده خودش زیرمجموعه آن بودند.» باطنی ادامه می‌دهد: «همین جایگاه باعث شده بود از همان سال‌های نخست، افراد شاخصی در این مسجد و پایگاه حضور داشته باشند.» به گفته او، حجت‌الاسلام میردامادی، مسئول نماز جمعه اصفهان، از جمله چهره‌هایی است که اکنون نیز امام‌جماعت مسجد الغفور است و حضورش به این مجموعه اعتبار ویژه‌ای بخشیده است.

عسکریه؛ محله‌ای با خاطره شهدا

محله عسکریه به گفته باطنی، در دوران دفاع مقدس شهدای شاخصی تقدیم کرده است. جانشین فرمانده پایگاه بسیج برادران مقداد می‌گوید: «تصاویر برخی از شهدای محله امروز هم در مسجد قابل‌مشاهده است. همین یاد و خاطره شهدا باعث شده فعالیت‌های ما همواره با

بیش از صد شب، میز جذب نیرو فعال بود و هم در بخش برادران و هم در بخش خواهران توانستیم تعداد چشمگیری نیرو جذب کنیم.» به گفته باطنی، در این ایام آموزش‌های عمومی و آموزش کار با سلاح کلاشینکف نیز برگزار شده است. تأمین امنیت موبک‌ها و محله هم به‌صورت شبانه‌روزی انجام می‌شد تا آرامش و ثبات در محله برقرار باشد.

اتوبوس انقلابی در سطح شهر

یکی از برنامه‌های شاخص ابتدای این دوره، راه‌اندازی کاروان موتوری و «اتوبوس انقلابی» بوده است. جانشین فرمانده پایگاه توضیح می‌دهد: «به مدت سه روز، اتوبوس انقلابی در سطح شهر اصفهان تردد کرد و در کنار آن، کاروان موتوری هم فعال بود. این برنامه بازتاب خوبی در شهر داشت.» باطنی همچنین به فعالیت‌های رسانه‌ای پایگاه اشاره می‌کند: «در فضای مجازی تولید پوستر و محتوای تبلیغی انجام دادیم تا اطلاع‌رسانی و جذب نیرو تقویت شود.» فعالیت‌های پایگاه مقداد اما محدود به شرایط خاص نیست. این بسیجی در پایان می‌گوید: «پیش از آغاز جنگ هم برنامه‌های مستمر داشتیم. هر هفته چهارشنبه‌ها کلاس قرآن برای برادران برگزار می‌شود و حلقه‌های صالحین نیز به‌صورت منظم تشکیل می‌شود.»

به گفته او، این حلقه‌ها با حضور آیت‌الله سید ابوالحسن مهدوی برگزار می‌شود و بُعد تربیتی و معنوی اعضا را تقویت می‌کند. جانشین پایگاه مقداد معتقد است آنچه در مسجد الغفور جریان دارد، نتیجه مشارکت مردم محله است؛ مشارکتی که نشان می‌دهد مسجد همچنان می‌تواند قلب تپنده فعالیت‌های اجتماعی یک محله باشد؛ جایی که در روزهای آرام و روزهای پراشتاب، چراغش روشن می‌ماند.

از جهاد تبیین تا میز سلامت

جانشین فرمانده پایگاه بسیج مقداد می‌افزاید: «این تجمعات صرفاً گردهمایی ساده نبود. در این بیش از صد شب، غرفه‌ها و مواکب فرهنگی برپا شد. مراسم عید قربان و عید غدیر را با شور خاصی برگزار کردیم و در مناسبت‌های مختلف برنامه‌های متنوع داشتیم.» باطنی یکی از محورهای مهم این شب‌ها را «جهاد تبیین» می‌داند و می‌گوید: «با دعوت از سخنرانان مطرح، گفت‌وگوهای سیاسی برای رفع تشویش اذهان عمومی برگزار شد تا به سؤالات و ابهامات مردم پاسخ داده شود. در کنار این برنامه‌ها، خدمات اجتماعی نیز ارائه می‌شد. غرفه‌های خدمت اجتماعی، میز سلامت، غرفه خطاطی و بخش‌های کودک فعال بودند تا همه اعضای خانواده بتوانند از این فضا استفاده کنند.» موبک پذیرایی نیز از بخش‌های ثابت این برنامه‌ها بوده است. این بسیجی می‌گوید: «پذیرایی و حتی توزیع شام در این شب‌ها انجام می‌شد و بسیاری از کارها با مشارکت خود مردم پیش رفت.» جانشین فرمانده پایگاه بسیج مقداد به موضوع جذب نیرو هم اشاره می‌کند: «در این

نگاه پاسداشت خون شهدا همراه باشد.»

او از گروه جهادی پایگاه نیز یاد می‌کند: «گروه جهادی ما به نام شهدای همین محله نام‌گذاری شده است. تلاش می‌کنیم در هر فعالیت جهادی، نام و راه آن‌ها را زنده نگه داریم.»

بیش از صد شب تجمع مردمی

بخش مهمی از فعالیت‌های اخیر این پایگاه، به برگزاری تجمعات مردمی بازمی‌گردد. جانشین فرمانده پایگاه بسیج برادران مقداد در این باره توضیح می‌دهد: «در جریان جنگ تحمیلی سوم یا جنگ رمضان، بیش از صد شب تجمع خیابانی در محله برگزار کردیم. در روزهای ابتدایی جنگ، فراخوان‌های محلی و منطقه‌ای دادیم تا مردم در میدان حضور پیدا کنند که خوشبختانه با استقبال خوبی روبه‌رو شد.»

او تأکید می‌کند یکی از اقدامات شاخص، دعوت از اقشار مختلف محله بوده است: «از پیش‌کسوتان قدیمی بسیج، کسبه، خانواده‌های شهدا و نمازگزاران دعوت کردیم در این تجمعات حضور داشته باشند. این حضور گسترده، فضای خاصی به برنامه‌ها داد.»



اکرم گیانی

دهکده ورزشی چند منظوره

گفت‌وگو با سارا یزدانی، مدیر مجموعه ورزشی محله



مجموعه ورزشی شهید خمه‌عشر، با بیش از یک قرن سابقه درخشان، نمادی از تداوم، تعهد به سلامتی و توسعه زیرساخت‌های ورزشی در محله عسکریه است.

این مجموعه در زمان گذشته، با نگاهی آینده‌نگرانه و به‌عنوان فضایی ساده برای شکوفایی استعدادهای ورزشی کودکان متولد شد و امروز به یکی از بزرگ‌ترین و مجهزترین قطب‌های ورزشی تبدیل شده است.

سارا یزدانی، مدیر این مجموعه ورزشی، درباره سیر تحول این فضا برای شکوفایی استعدادهای ورزشی کودکان و نوجوانان به «هم‌محله» می‌گوید: «قدمت این مجموعه شاید حدود صد سال باشد و نوجوانانی که در حال حاضر در این مرکز مشغول ورزش هستند، در گذشته پدران آن‌ها در همین مکان ورزش می‌کردند. این مجموعه ورزشی در زمان گذشته شامل دو قطعه زمین خاکی بوده و به مرور زمان بزرگ‌تر و مجهزتر شده و در حال حاضر از عظمت و ساختمان‌های متفاوت و منظمی برای استفاده کودکان، نوجوانان و بزرگسالان در زمینه ورزش برخوردار است.»

فضایی ایمن و ساده برای فعالیت‌های بدنی کودکان

یزدانی اضافه می‌کند: «از خشت‌های نخستین تا استانداردهای مدرن، این مجموعه در بدو تأسیس با هدف ایجاد فضایی ایمن و ساده برای فعالیت‌های بدنی کودکان این منطقه شکل گرفت. در طول بیش از صد سال گذشته، این فضا شاهد رشد نسل‌های متعددی بوده است. با مشارکت راهبردی و حمایت‌های بی‌دریغ تربیت‌بدنی ناحیه چهار آموزش و پرورش استان اصفهان، این مجموعه وارد فاز نوین تحول شد و توانست با بازسازی اساسی و نوسازی زیرساخت‌ها، از یک فضای کوچک ورزشی به یک "دهکده ورزشی چندمنظوره" ارتقا یابد.»

مدیر مجموعه ورزشی محله عسکریه تصریح می‌کند: «این مجموعه ورزشی در طول سال‌ها توانسته است به همت آموزش و پرورش، فعالیت‌های بیشتری را در حوزه ورزش به علاقه‌مندان ارائه دهد و در رشته‌های ورزشی متفاوت، مانند ژیمناستیک، کودکان دختر و پسر از سنین چهار یا هفت سال به بالا برای ثبت‌نام مراجعه دارند. افراد بزرگ‌سال نیز در این مجموعه ورزشی به شکل تفریحی فوتبال و والیبال بازی می‌کنند و این مجموعه در تمامی روزه‌های هفته به جز روز جمعه در محله فعالیت دارد.»

او عنوان می‌کند: «امروز مجموعه ورزشی خمه‌عشر با بهره‌گیری از استانداردهای مدرن ورزشی، بستری برای فعالیت حرفه‌ای در بیش از ۱۰ رشته ورزشی را فراهم کرده است. تنوع رشته‌ای و ارائه خدمات آموزشی و

اشاره به حضور گروه‌های سنی متفاوت در این مجموعه ورزشی می‌گوید: «سالن‌های چندمنظوره با کف‌پوش‌های استاندارد، زمین‌های چمن مصنوعی، سالن‌های تخصصی بدن‌سازی و تجهیزات به‌روز، از زیرساخت‌های ممتاز این مجموعه ورزشی است. علاوه بر این موارد، ارائه خدمات جانبی مانند برخورداری از رختکن‌های مجهز، سالن‌های انتظار و سیستم‌های تهویه پیشرفته نیز وجود دارد و گروه‌های سنی متفاوت، از رده سنی پنج تا ۶۰ سال، برای فعالیت ورزشی در این مجموعه حضور پیدا می‌کنند.»

او خاطرنشان می‌کند: «سالیان متوالی است که این مجموعه ورزشی به همت آموزش و پرورش و کارشناسان مختلف فعالیت دارد و در حال حاضر این مجموعه دارای یک مدیر و سه نفر کارشناس تربیت‌بدنی از اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان است. بنده بیش از یک سال است که مدیریت مجموعه را بر عهده دارم. ثبت قراردادهای برنامه‌ریزی سانس‌های ورزشی و بستن کانون‌ها را انجام می‌دهم و معمولاً اطلاع‌رسانی در زمینه این مجموعه ورزشی برای جذب افراد بیشتر توسط

حرفه‌ای در رشته‌هایی مانند فوتبال، والیبال، بسکتبال، کاراته، تکواندو، ژیمناستیک، تنیس، حرکات اصلاحی، یوگا، فیتنس، دفاع شخصی، کیک‌بوکسینگ و ورزش‌های همگانی برای گروه سنی پنج تا ۶۰ سال در این مجموعه ورزشی به‌خوبی فراهم شده است.»

یزدانی تأکید می‌کند: «در طول سال این مجموعه ورزشی فعال است و در ایام تابستان، به دلیل تعطیلی مدارس، فعالیت‌های ورزشی دانش‌آموزان بیشتر می‌شود. جای خرسندی دارد که استقبال نوجوانان و جوانان از رشته‌های ورزشی این مجموعه رضایت‌بخش بوده است. در واقع، این مجموعه ورزشی از جمله مراکزی است که در ناحیه چهار آموزش و پرورش بسیار شلوغ و پرفتوح و آمد است و مربیان ورزشی با عده‌ای از ورزشکاران به شکل حرفه‌ای کار می‌کنند تا بتوانند خود را برای مسابقات استانی و کشوری آماده کنند.»

زیرساخت‌های ممتاز این مجموعه ورزشی

مدیر مجموعه ورزشی محله عسکریه با



مربیان در گروه‌ها و کانال‌های فضای مجازی انجام می‌شود. همچنین دبیران تربیت‌بدنی مجاز هستند در گروه‌های مدارس نیز درمورد این مجموعه ورزشی تبلیغات لازم را برای جذب افراد بیشتر انجام دهند.»

یزدانی ادامه می‌دهد: «همه امور تربیت‌بدنی در مدارس و در این مجموعه ورزشی در ناحیه، زیر نظر کارشناسان تربیت‌بدنی انجام می‌گیرد. در رشته ژیمناستیک، معمولاً کودکان و نوجوانان در مسابقات استانی و کشوری شرکت دارند و در رشته‌های والیبال و هندبال نیز برای مسابقات استانی و کشوری معرفی می‌شوند. به نوجوانان و جوانان توصیه می‌کنم که به‌جای گذراندن اوقات فراغت در پارک‌ها و دورهمی‌ها و برای دورماندن از مصرف دخانیات، بهتر است به مجموعه ورزشی محله مراجعه کنند و با ورزش‌کردن، اوقات فراغت پرباری را در تابستان داشته باشند.»

او تصریح می‌کند: «بنده تأکید زیادی بر ورزش‌کردن افراد دارم. این مجموعه همه‌روزه از ساعت هشت صبح تا ۱۳:۴۰ بعدازظهر و از ساعت چهار بعدازظهر تا ۱۱ شب فعال است و افراد علاقه‌مند می‌توانند به مجموعه مراجعه کنند. مربیان ورزشی این مجموعه معمولاً از افراد باسابقه و باتجربه دارای کارت مربیگری هستند و کسانی که به ورزش علاقه دارند و به این مجموعه ورزشی مراجعه کنند، می‌توانند با مربیان باتجربه مجموعه کار کرده و از آن‌ها کسب تجربه کنند. استقبال بانوان و دختران از این مجموعه ورزشی بسیار رضایت‌بخش بوده و بانوان مسن نیز برای انجام ورزش والیبال و هندبال به این مجموعه مراجعه دارند.»



اکرم کیانی

تجمع خانواده‌ها برای بدرقه عروس و داماد از گرمابه

مسئول گرمابه سروش تصریح می‌کند: «در گذشته بیشتر مواقع بخش عمومی گرمابه باز بوده است و در طول هفته این گرمابه بسیار شلوغ می‌شده و اهالی استفاده بیشتری از آن می‌کردند. مواقعی که عروسی در محله برگزار می‌شد، معمولاً خانواده‌ها برای بردن داماد یا عروس به حمام از این گرمابه استفاده می‌کردند و شلوغی این حمام بیشتر می‌شد. در این نوع دورهمی‌ها، اقوام و فامیل با شادمانی در اطراف گرمابه جمع می‌شدند تا عروس یا داماد را بدرقه کنند؛ اما امروزه دیگر از آن عروسی‌ها و تجمع‌ها در محله و اطراف گرمابه عمومی خبری نیست.»

او عنوان می‌کند: «در شرایط فعلی، گرمابه سروش به شکل خصوصی اداره می‌شود و دیگر از حمام عمومی قدیمی خبری نیست؛ یعنی در این گرمابه، دوش‌های حمام به شکل خصوصی و برای استفاده تک‌نفره علاقه‌مندان در نظر گرفته شده است. معمولاً افراد از مکان‌های مختلف به گرمابه سروش مراجعه و با پرداخت هزینه، از این حمام استفاده می‌کنند. این گرمابه در طول سال، به غیر از ماه رمضان و ایام تاسوعا و عاشورای حسینی، همیشه فعال است و در طول هفته فعالیت دارد. همچنین در روزهای پایانی هفته، جمعیت بیشتری برای استفاده از گرمابه سروش مراجعه می‌کنند.»



به همان شکل در محله باقی مانده و چندان تغییری نکرده است. با وجود اینکه در بسیاری از محله‌ها گرمابه‌های قدیمی تعطیل شده‌اند و حدود ۱۲ حمام این گرمابه در عسکریه همچنان دایر است و به شکل خصوصی اداره می‌شود. در ایام قدیم این گرمابه دارای حمام عمومی زنانه و مردانه بوده و اهالی محله به‌طور مرتب به آن رفت‌وآمد داشته‌اند. از قدیمی‌های محله شنیده‌ام که آن زمان گرمابه سروش دارای حوض بوده و اهالی دور این حوض می‌نشستند، حمام می‌کردند و همه از آب گرم داخل حوض استفاده می‌کردند.»

عهده گرفته‌ام. مالک این گرمابه آقای بخشنده هستند. بنای گرمابه عسکریه با قدمت ۶۲ سال در این محله قرار دارد و یکی از بناهای قدیمی محله به شمار می‌رود. از سال ۱۳۴۲ این گرمابه در این محله دایر شده و یکی از باسابقه‌ترین گرمابه‌های محله عسکریه بوده است.»

او ادامه می‌دهد: «از قدیمی‌های محله بسیار شنیده‌ام که در ایام گذشته این گرمابه مرکز تردد اهالی محله بوده و هیاهوی زیادی در این مکان، به‌واسطه دورهمی‌ها و تجمع‌های کنار حوض حمام، وجود داشته است.»

او می‌افزاید: «در حال حاضر این گرمابه

در زمان گذشته، حمام در تمام شهرها و روستاهای ایران، در کنار مساجد و به‌صورت زنانه و مردانه ساخته می‌شد. هر حمام دارای سردخانه، گرمخانه، محل شست‌وشوی بدن، خزینه، محل نشستن و لباس پوشیدن بود. در محله‌های شهر اصفهان، حمام‌ها (گرمابه‌ها) در قدیم مکانی پرتجمع برای دورهمی‌های افراد محله بودند که همگی دور هم در کنار حوض‌های حمام می‌نشستند و ساعاتی را با آرامش و به دور از دغدغه‌های روزمره و مشغله‌های ذهنی، برای نظافت و شست‌وشوی جسم و بدن، در کنار یکدیگر سپری می‌کردند. به‌وضوح دیده می‌شود که امروزه تعدادی از این گرمابه‌ها در محله‌های شهر مخروبه شده‌اند یا به‌طور کلی از بین رفته‌اند و اهالی محله دیگر استفاده‌ای از آن‌ها ندارند؛ اما بنای گرمابه «سروش» در محله عسکریه، با قدمت ۶۲ ساله، همچنان خودنمایی می‌کند و مانند گذشته همچنان فعال و پابرجاست.

سابقه ۶۲ ساله گرمابه سروش در محله

ابراهیم اسماعیلی، متولد ۱۳۴۴ و مسئول گرمابه سروش، درباره قدمت تاریخی این مکان به «هم‌محله» می‌گوید: «بنده کارمند این گرمابه هستم و حدود پنج سال می‌شود که مسئولیت اینجا را بر

مأمن اهل ایمان

نگاهی به امام‌زاده شاه‌میرحمزه (ع)



کردند و در اراضی آن خیابان، مغازه، منزل و دانش‌سرای کشاورزی (هنرستان فنی سروش) بنا شد. ساختمان قدیم این امام‌زاده با مصالح خشت و گل بوده که در سال ۱۳۷۵ با همت اهالی و خیران و اداره اوقاف شهرستان اصفهان تخریب و بنای جدید به جای آن ساخته شد. در سال‌های اخیر نیز به همت مردم و هیئت فداییان حسین (ع)، حدود چهارهزار متر به

(شفیعی‌ای ابرو) در این گورستان دفن بوده‌اند که اکنون از مقبره آنان اثری به‌جا نمانده است. استاد جلال‌الدین همایی از این امام‌زاده و گورستان بازدید و شماری از قبور آن را یادداشت کرده که در کتاب خود، «تاریخ اصفهان (تکایا و مقابر)» آن را آورده است. قدمت برخی از آن قبور به قرن یازدهم و دوازدهم هجری بازمی‌گردد. قبرستان شاه‌میرحمزه را در سال ۱۳۳۳ خراب

وارد امام‌زاده شاه‌میرحمزه (ع) می‌شوم. حیاطی بزرگ و روح‌نواز، پیش روی زائران گسترده است. گلدسته‌ها و گنبد سبزرنگ امام‌زاده از دوردست همچون نگینی درخشان بر آسمان اصفهان خودنمایی می‌کنند و نوای دل‌نشین مناجات از فراز گلدسته‌ها در فضا می‌پیچد. دورتادور حرم با آینه‌کاری‌های چشم‌نواز آراسته شده است؛ گویی هزاران ستاره بر دیوارها نشسته‌اند و هر پرتو نور را به جلوه‌ای از معنویت بدل می‌کنند. حمزه بن محمد بن حسین بن علی بن حسین بن محمدالدیاج بن امام جعفر صادق (ع) معروف به امام‌زاده شاه‌میرحمزه، در قریه فرسان از روستاهای شمالی اصفهان به خاک سپرده شد؛ اما با گسترش شهر اصفهان، اکنون در خیابان سروش و چهارراه عسکریه قرار دارد. این بقعه که سال‌ها مأمن دل‌های عاشق و پناهگاه رهروان طریق اهل‌بیت (ع) بوده، همچنان عطر تاریخ و معنویت را در خود حفظ کرده است. در کتاب «مزارات اصفهان» نوشته سیدمصالح‌الدین مهدوی، درباره این امام‌زاده قابل‌شان و منزلت آمده است که در پیرامون این بارگاه مقدس، روزگاری گورستانی کهن قرار داشت که بزرگان و دانشمندان نامداری در آن آرمیده بودند.

بعضی از آل‌خجند، حکیم شرف‌الدین حسن شفاعی و آخوند محمد شفیع طالقانی معروف به

فضای امام‌زاده اضافه شده و ساخت حسینیه‌ای با نام رهبر شهید به وسعت هزار و ۵۰۰ متر مربع در دست اقدام است. مردم می‌توانند با شرکت در طرح خشت‌های بهشتی که توسط هیئت فداییان حسین (ع) اجرا شده است، با خرید سهم و مشارکت مالی در ساخت و وسعت این امام‌زاده سهیم شوند.

هرچند گذر زمان بسیاری از آثار این امام‌زاده را از میان برده است؛ اما خاطره مردان علم و فضیلت و زمزمه دعا‌های زائران هنوز در فضای این مکان احساس می‌شود.

زائران با ورود به صحن امام‌زاده، آرامشی عمیق را تجربه می‌کنند؛ آرامشی که در انعکاس نور بر آینه‌کاری‌ها، در طنین اذکار و مناجات و در نگاه به گنبد سبزفام حرم جلوه‌گر می‌شود. شاه‌میرحمزه (ع) نه تنها یادگاری از تاریخ اصفهان، بلکه پناهگاهی معنوی برای دل‌هایی است که در جست‌وجوی امید، آرامش و توسل به خاندان پیامبر (ص) هستند.

امروزه وجود هیئت فداییان حسین (ع) و نوای دل‌نشین مداح‌های اهل‌بیت، استاد سیدرضانریمانی و اجرای برنامه‌های فرهنگی و مذهبی این هیئت در امام‌زاده شاه‌میرحمزه (ع) حال و هوای معنوی دوجندانی به این مکان داده و مأمنی برای دل‌دادگان به اهل‌بیت (ع) شده است.



منیره فهامی



سارا حقیقی

این محله بیشتر به درد کاسبی می خورد

گفت‌وگو با امیر علیزاده، دارنده نمایندگی فروش و تعمیر یخچال، درباره تغییر بافت و توسعه فعالیت های تجاری در عسکریه



در خیابان عسکریه و در میان انبوهی از فروشگاه ها، به مغازه هایی برمی خوریم که از ظاهرشان می شود به قدمشان پی برد؛ مغازه هایی که صاحبانشان در طول زمان در این شغل مو سپید کرده اند یا به رحمت خدا رفته اند و یا دیگر میدان را به جوان ترها واگذار کرده اند. از میان این نوستالژی های محله عسکریه، سه تایی آن ها را برای گفت وگو انتخاب کردیم تا از چندوچون روزگار گذشته بر محله و کسب و کارشان اطلاعاتی بگیریم. اولین هم صحبتی ما با امیر علیزاده بود که از سال ۱۳۶۰ پدرش نمایندگی فروش، تعمیرات و خدمات پس از فروش یخچال در محله داشته.

او درباره سابقه شغلشان چنین می گوید: «سابقه شغلی ما توی محله عسکریه برمی گردد به اواخر شهریور سال ۱۳۶۰؛ تقریباً ۴۴ سال و خُرده ای پیش. البته سابقه شغلی پدرم از سال ۱۳۴۵ آغاز می شود؛ ولی در شهری دیگر.»

ورود علیزاده به این شغل برحسب اقتضائات زندگی بوده و با اینکه تحصیله رسته ریاضی دانشگاه اصفهان است به تحصیل ادامه نداده و پیش

پدر در فروشگاه و تعمیرگاه ۱۱۱ مشغول به کار می شود. این کاسب قدیمی محله عسکریه می گوید: «چندسالی می شود که دیگر کار خدمات پس از فروش را کنار گذاشته ایم و صرفاً فروش لوازم خانگی را دنبال می کنیم.» او به تحریم های دهه ۶۰ و ۷۰ اشاره می کند و ادامه می دهد: «با توجه به شرایط دهه ۶۰ و ابتدای دهه ۷۰ که امکان ورود لوازم خانگی خارجی نبود، باید تولیدات داخلی را که خیلی هم محدود بود می فروختیم. تقریباً اواخر دهه ۷۰ شرایط اقتصادی کشور بهتر شد و ما محصولات وارداتی هم می فروختیم.»

دوران طلایی کسب و کار و فصل افول آن
علیزاده با اشاره به دوران طلایی کسب و کارشان می افزاید: «دهه ۸۰ یکی از دوران طلایی بعد از انقلاب بود که وضعیت اقتصادی کشور بهتر و توان خرید مردم خوب شد و ما فروش خوبی داشتیم. متأسفانه وضعیت معیشتی مردم به دلیل تحریم ها رفته رفته دچار مشکل شد و توان خرید پایین آمد.»

این کاسب محله عسکریه بیان می کند: «زمانی که ما مغازه را تأسیس کردیم، تعداد لوازم خانگی خیلی محدود بود و مردم باید برای خرید در نوبت می ماندند. خرید یخچال ثبت نامی بود؛ یعنی مردم به تعاونی مراجعه و ثبت نام می کردند؛ همچنین یک بازار آزاد بود که با درصدی بالاتر از کارخانه محصولات را می فروختند. ما اولین نماینده لوازم خانگی در استان اصفهان بودیم که برند درجه یک دنیا را در شرکت تعاونی مصرف توزیع کردیم و کارمندهایی که حقوق ماهیانه خیلی نرمال داشتند و جزو مدیران هم نبودند و حتی کارگران بعضی از کارخانه های استان اصفهان توان خرید این کالا را داشتند؛ یعنی به این سمت رفته بودیم که این یخچال ها را از یک کالای

لوکس برسانیم به کالایی که عموماً قشر متوسط جامعه با درآمدی ثابت و محدود بتوانند خرید کنند؛ ولی متأسفانه الان یک کارمند متوسط با یک کارگر دیگر توان خرید کالاهای ما را ندارد.»
علیزاده با اشاره به هزینه های بیمه و دستمزد کارگران و تعمیرکارانی که در نمایندگی مشغول فعالیت بودند، تصریح می کند: «هزینه ها آنقدر سرسام آور شده که دیگر تعمیرات و خدمات پس از فروش برایمان به صرفه نیست.» او ادامه می دهد: «پیش از این ۱۷ کارگر داشتیم؛ ولی رفته رفته تعدیل نیرو کردیم؛ تا امروز که یک کارگر داریم که کارهای خدمات پس از فروش را انجام می دهد.» این کاسب قدیمی از جنگ رمضان و تأثیر آن بر کسب و کارش با ناراحتی یاد می کند: «بیشتر فروش ما مربوط به قبل از ایام جنگ اسفندماه است. بعد از آن متأسفانه درهای واردات کاملاً بسته شد و این مسئله کسب و کار ما را دچار مشکل کرده است. از طرفی، یک یخچال حالا با قیمت ششصد هفتصد میلیون تومان به فروش می رسد. با چنین قیمت هایی تعداد مشتری های محدودی در استان اصفهان توان خرید دارند و روزه روز هم قیمت ها افزایش پیدا می کند و این موضوع چرخه اقتصادی را کند کرده است.»

حال و هوای گذشته ها در نمایندگی
این نمایندگی یخچال و لوازم خانگی همچنان حال و هوای گذشته ها را دارد؛ حتی تابلوی مغازه مربوط به همان سال های تأسیس است. از علیزاده می پرسیم چرا دست به ترکیب مغازه نزده؟ آیا قصد داشته که شکل قدیمی و نوستالژیک آن را حفظ کند؟ او پاسخ می دهد: «خیر؛ صلاح نمی بینیم فعلاً تغییری ایجاد کنیم. بحث نوستالژیک را

هم نداریم. بنا به دلایلی شاید بخواهیم از این شهر مهاجرت کنیم؛ برای همین دیگر هزینه کردن برایمان سودی ندارد.»
او درباره تفاوت های محله نسبت به قدیم و تغییراتی که داشته تصریح می کند: «کسبه قدیم به مرور تغییر کرده اند. عموماً مالک های اصلی یا فوت کرده اند یا ملک را فروخته اند و افراد جدید آمده اند یا فرزندان و ورثه آن ها دارند شغلشان را ادامه می دهند. به همین ترتیب خب برخی مشاغل هم تغییر کرده اند و جای خود را به کاسبی های جدید داده اند.»

شهرداری فکری برای ترافیک بکند
این ساکن محله عسکریه می گوید: «اینجا محله ای پررفت و آمد است و با توجه به شرایط بیمارستان که در حال توسعه است، ترافیک و شلوغی خودش را دارد و دیگر بیشتر به درد کسب و کار می خورد. در گذشته خانه ها و مغازه ها کنار هم بودند؛ ولی با توجه به مسئله ای که گفتم، بر خیابان ارزش مسکونی ندارد و برای توسعه کارهای تجاری و ساخت مجتمع های تجاری اداری مناسب است.»
او مهم ترین مشکل محله را کم عرض بودن خیابان و ترافیک آن می داند و ادامه می دهد: «خیابان عسکریه همیشه محل رفت و آمد مردم بوده. این محله بافت تجاری دارد و بیمارستان هم که جزو بهترین بیمارستان های اصفهان است و همین موضوع باعث شده که از خود شهر و دیگر شهرها و حتی استان های دیگر برای درمان به آن مراجعه کنند؛ اما به نسبت توسعه بیمارستان، شهرداری نتوانسته سرویس لازم را بدهد تا بار ترافیکی خیابان شکسته شود و این بزرگ ترین مشکل محله عسکریه است.»





فروشگاه مشغول کار بوده‌اند؛ اما دیگر توان پرداخت دستمزد به آن‌ها را ندارد؛ چون پول دستمزد و بیمه‌شان با میزان فروشی که دارند هم خوانی ندارد و هزینه‌های جاری هم آنقدر زیاد شده که به سختی از پس آن‌ها برمی‌آید.

وقتی می‌پرسم چرا کاربری فروشگاه را تغییر نمی‌دهید، پاسخ می‌دهد: «ما در محله عسکریه سابقه داریم و شناخته شده هستیم. هنوز هم مشتریان قدیمی همچنان از ما خرید می‌کنند و تعدادی از آن‌ها حالا با فرزندان و حتی نوه‌هایشان به اینجا می‌آیند.» از او می‌خواهم درباره اولین مغازه‌هایی که در محله شروع به کار کردند برآیامان بگوید: «کاسی‌های متفاوتی اینجا بود؛ از برپانی و کله‌پزی گرفته تا تعویض روغنی و مکانیکی؛ اما به دلیل اینکه صاحبان اولیه تغییر کردند کارکرد آن‌ها متفاوت شده است.»

این فروشنده قدیمی کسب و کار در عسکریه و روابط کاسبان محله را مطلوب می‌داند و می‌گوید: «زندگی و کار در عسکریه خوب است و مشکل خاصی وجود ندارد. تنها مشکل این محله ترافیک است که امیدوارم شهرداری برای این مسئله جاره‌ای بیندیشد.»



به گفته این کاسب قدیمی، گرانی و کاهش قدرت خرید مردم، بازار پوشاک را به شدت تحت تأثیر قرار داده است و مشتریان دیگر مانند گذشته خرید نمی‌کنند. آشنایان به جنگ رمضان اشاره می‌کنند و می‌گویند: «این گرانی‌ها ربطی به زمان جنگ ندارد و از پیش از آن هم فروش ما کم شده بود. حتی زمان جنگ فروشگاه ما باز بود. ما پای جنگ ایستادیم و تعطیل نکردیم.»

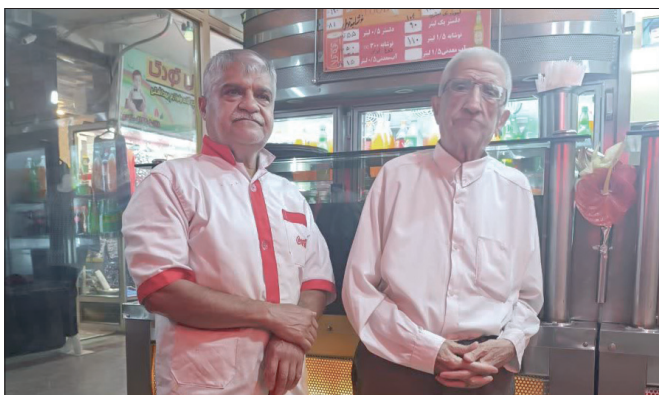
شد.
آبشاهی سال ۶۸ ساکن محله دشتستان می‌شود و دوسال بعد در دل زمین‌های محله عسکریه مغازه‌اش را می‌سازد و می‌شود اولین فروشگاه پوشاک محله. او به سال‌های اول کارش و رونق آن اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «آن سال‌ها کاناسی خوب می‌چرخید. قیمت‌ها بسیار پایین بود و ما از صبح تا شب هرچه می‌فروختیم به اندازه یول یک جفت چوآب حال‌نم شد.»

فروشگاه سوت و کورا است و به غیاز از فروشنده‌ها و یک مشتری کسی حضور ندارد. منتظر می‌مانم تا مشتری بهای دویپراهن مردانه‌ای را که خریده بپردازد و فرصت هم صحبتی با صاحب فروشگاه را پیدا کنم. شنیده‌ام که این فروشگاه از اولین‌های محله عسکریه است و تا سال‌های نه چندان دور برای خود برویایی داشته و از گوشه‌وکنار شهر و حتی شهرهای دیگر برای خرید اینجا می‌آمده‌اند. مهدی آبشاهی که حدود سی و پنج سالی می‌شود این فروشگاه را راه انداخته، در ابتدای صحبتش خاطرات گذشته محله را مرور می‌کند و می‌گوید: «ما ساکن محله صغیر بودیم و عسکریه یک کوچه خاکی بود که برای بازی گهگاهی به اینجا می‌آمدیم. بیمارستانی وجود نداشت و درمانگاهی کوچک بود که مردم برای درمان‌های جزئی و سربایی به آن مراجعه می‌کردند. خیابان سروش هم خاکی بود و ما برای رفتن به زینبیه، از سروش به طوقچه، می‌رفتیم و از آنجا به حرم.»

زمین‌های کشاورزی، مزارع گندم، باغ و درختان چنار و مغازه کوچک آقای آتشین هنوز در خاطرش مانده؛ مغازه‌ای که با درگذشت او، بسته

یک ساندویچی با مشتریانی از سه نسل

حاج حسن حقانی، قدیمی ترین ساندویچ فروش محله عسکریه، از کاسبی ۴۴ ساله اش می گوید



می‌شدند؛ اما امروزه نقش آن‌ها تغییر کرده و مردم بیشتر از آن‌ها به عنوان وعده اصلی استفاده می‌کنند.»

آقای حقانی فضای محله در آن زمان را چنین توصیف می‌کند: «این خیابان اصلاً به این شکل نبود. یک خیابان فرعی و باریک‌تر و بیشتر زمین بود و پچه‌ها توی همین خیابان بازی می‌کردند. بعداً آقای زندگرمانی درمانگاه عسکریه را افتتاح کرد و کم‌کم از سال ۷۰ به بعد عسکریه رونق پیدا کرد. پیش از اینکه ساندویچی ما افتتاح شود، در این منطقه مغازه‌های بسیار کمی وجود داشت. بیشتر خانه بود که خانه‌ها را خراب کردند و به این سبک امروزی، درآوردند.»

او می‌گوید: «پیش از ما چند مغازه در محله بود که تعدادی از آن‌ها هنوز هستند و برخی از آن‌ها یا از اینجا رفته‌اند یا کاربری‌شان تغییر پیدا کرده.» آقای حقانی به مشکلات کسب و کارش هم اشاره می‌کند: «قبلاً پولی در دست‌وبال مردم نبود و این مشکل عمده کاسبی‌های قدیمی بود. حالا پول هست؛ اما رونقی در کار نیست و هزینه‌ها خیلی زیاد شده.» به گفته او، مردم محله عمده‌سریه بیشتر کاسب هستند؛ از پدر گرفته تا فرزند و نوه.

برخی از مشتری‌ها با اینکه شغل‌های مهمی دارند، هنوز هم به اینجا می‌آیند تا خاطراتشان را زنده کنند.»

او می‌گوید که قدیم‌ترها این همه سس با طعم‌های مختلف وجود نداشت و فقط سس گوجه فرنگی بود. خودش هم هنوز به شیوه سنتی سس ساندویچ‌ها را درست می‌کند و معتقد است همین موضوع باعث شده طعم‌های قدیمی حفظ شود.

به گفته این کاسب قدیمی محله عسکریه، از اواخر دهه هفتاد تغییراتی در انواع ساندویچ‌ها به وجود آمد و با آمدن مواد غذایی مدرن‌تر، ذائقه مردم هم تغییر کرد: «مردم دیگر خیلی طرفدار ساندویچ‌های قدیمی نیستند. در گذشته ساندویچ‌ها به عنوان میان‌وعده مصرف

از ۴۴ سال هنوز هم رونق دارد. حاج حسن می‌گوید: «اوایل کار، سختی زیادی داشت. توی خانه ساندویچ درست می‌کردم؛ اما کم‌کم مغازه را وسعت دادم و کارم رونق گرفت.» می‌پرسم ساندویچ‌های آن زمان چه فرقی با ساندویچ‌های امروزی داشتند؟ پاسخ می‌دهد: «آن زمان من چند قلم ساندویچ داشتم که شامل مغز، زبان، جگر مرغ، اولویه، کتلت، ماکارونی و همبرگر و سوسیس و کالباس می‌شد؛ اما حالا بیشتر سوسیس و کالباس و غذاهای فرآوری شده طرفدار بیشتری دارند.» این کاسب قدیمی مشتری‌هایی دارد که سه نسل از یک خانواده هستند: «کسانی به مغازه ما می‌آیند که پدربزرگشان مشتری ما بوده و حالا هم فرزندشان مشتری ماست.

کسانی که اولین فست‌فودی‌ها را راه‌اندازی کردند، شاید هرگز فکر نمی‌کردند روزی در رقابت با غذاهای سنتی و طبخ‌ها دست برتر را داشته باشند. با توسعه شهرنشینی و افزایش مشاغل که ساعت‌های طولانی کارکنان باید به کار مشغول می‌بودند، نیاز به میان‌وعده‌ای به وجود آمد که تا رسیدن به وعده اصلی آن‌ها را سیر نگه دارد؛ بنابراین در شهرها اغذیه‌فروشی‌ها و ساندویچی‌ها روبه‌روز بیشتر شدند تا پاسخگوی نیاز مردم باشند. ازجمله این ساندویچی‌ها، ساندویچی قدیمی است که حاج حسن حقانی سال ۶۱ آن را در خیابان عسکریه افتتاح کرد و تا امروز سه نسل در آن مشغول کار بوده‌اند. به غیر از خودش که با ۸۰ سال سن هنوز هربش به مغازه می‌آید تا از کم و کیف امور باخبر شود، پسر و نوه‌اش مغازه را می‌گردانند. او پیش از اینکه کاروکاسی کنونی خود را راه بیندازد، ابتدا در یک اغذیه‌فروشی کارگری می‌کرده و سپس بعد از ۱۴ سال دکه‌داری مطبوعات روبه‌روی هتل عباسی، به آشپزخانه هتل راه پیدا می‌کند. پس از مدتی کارکردن در هتل، از آنجا که فضای فرهنگی آن زمان این مکان را نمی‌پسندیده، به پیشنهاد شخصی به نام پوریولی، معاون شهردار وقت، از کار بیرون می‌آید و با خرید مغازه‌ای به قیمت ۱۲۰ هزار تومان در خیابان عسکریه کاری را آغاز می‌کند که بعد



مرتبه فهامی

تدریس هوافضا در مسجد و موبک‌ها

گفت‌وگو با امین سروری، مدرس دوره‌های هوافضا برای کودکان و نوجوانان



در روزگاری که به آموزش مهارت‌های عملی و علوم کاربردی بیش از گذشته توجه می‌شود، برخی فعالان حوزه آموزش با ایده‌های خلاقانه تلاش می‌کنند مفاهیم پیچیده علمی را برای نسل نوجوان و کودک قابل فهم و جذاب کنند. امین سروری، فارغ‌التحصیل مهندسی هوافضا و مدرس دوره‌های تخصصی هوافضا ویژه کودکان و نوجوانان، از جمله افرادی است که سال‌هاست با طراحی دوره‌های عملی و کم‌هزینه، تلاش می‌کند علاقه به علم و فناوری را در میان دانش‌آموزان گسترش دهد. او معتقد است علم زمانی اثرگذار خواهد بود که کودکان بتوانند آن را لمس کنند، بسازند و به پرواز درآورند. در گفت‌وگویی با او بیشتر از ایده‌ها و طرح‌هایش باخبر می‌شویم.

آغاز مسیر علمی از مسجد محله

امین سروری متولد سال ۱۳۷۳ و دانش‌آموخته رشته مهندسی هوافضا از دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد است. او درباره دوران دانشجویی خود می‌گوید: «دانشگاه حمایت‌های خوبی از فعالیت‌های علمی و پژوهشی ما داشت. به همراه تیم دانشجویی در مسابقات مختلف شرکت می‌کردیم و موفق شدیم در لیگ زیردریایی مقام دوم کشوری را کسب کنیم.» او با اشاره به یکی از پروژه‌های دانشجویی خود می‌افزاید: «در بخش ساخت شناورهای زیرسطحی کابلی نیز موفق به کسب رتبه خلاقیت شدیم. با کمترین هزینه و استفاده از مواد بازیافتی و لوله‌های پلی‌کاتونستیم یک سازه کاربردی و خلاقانه طراحی کنیم که نمونه‌ای از تحقق شعار "ما می‌توانیم" بود.» اما علاقه سروری به آموزش و فعالیت‌های علمی، سال‌ها پیش از دانشگاه آغاز شده بود: «فعالیت‌های علمی خود را از مسجد محل آغاز کردم. در دهه ۹۰ برای کودکان و نوجوانان مسجد الغفور کلاس‌ها و آزمایش‌های علمی برگزار می‌کردم و حتی در دوران راهنمایی نیز چنین فعالیت‌هایی داشتم.»

تولد ایده آموزش هوافضا برای کودکان

در دوران دانشجویی متوجه شدم دوره‌های مهندسی هوافضا برای کودکان و نوجوانان طراحی نشده است. همین موضوع باعث شد با استفاده از تجربه‌هایی که در کلاس‌های مسجد به دست آورده بودم، دوره‌های ویژه‌ای برای این گروه سنی طراحی کنم. نخستین اجرای این طرح را در مسجد الغفور انجام دادم. بچه‌ها هم مطالب را یاد می‌گرفتند و هم اشکالات دوره مشخص می‌شد. به مرور متوجه شدم این حوزه علاوه بر ظرفیت فرهنگی و علمی، امکان توسعه اقتصادی نیز دارد.

از هواپیمای دست‌پرتاب تا تأسیس شرکت

پس از پایان خدمت سربازی در بندرعباس، فعالیت خود را به صورت حرفه‌ای دنبال کردم و موفق به تأسیس یک شرکت شدم. اولین دوره‌ای که برگزار کردیم، ساخت هواپیمای گلایدر یا هواپیمای دست‌پرتاب بود.

تازه‌ای برای ادامه مسیر و توسعه فعالیت‌ها در اختیارم قرار داد. نگاه مدارس نیز در سال‌های اخیر تغییر کرده است. در گذشته بیشتر تمرکز مدارس بر آموزش‌های دینی بود و استقبال چندانی از دوره‌های مهارتی نمی‌شد؛ اما امروز بسیاری از مدارس به دنبال آموزش‌های عملی و مهارت‌محور هستند.

۳۰ شب ترویج علم در موبک‌های مردمی اصفهان

ما توانستیم از فروردین‌ماه، با حمایت شهرداری و همکاری گروهی از مربیانمان، حدود ۳۰ شب در موبک‌های مختلف شهر از جمله میدان انقلاب، پل فلزی و پل خواجو برنامه‌های علمی و آموزشی اجرا کنیم. این برنامه‌ها علاوه بر ایجاد فضایی شاد و آموزشی برای کودکان، به کاهش نگرانی‌ها و اضطراب ناشی از جنگ و ایجاد نشاط اجتماعی آن‌ها نیز کمک می‌کرد.

استقبال خانواده‌ها از برنامه‌های خلاقانه

برنامه‌های متنوعی مانند ساخت دست‌سازه‌های پروازی، شبیه‌سازی پرواز، انفجار نیتروژن و پرواز سازه‌های کاغذی اجرا کردیم. یکی از جذاب‌ترین فعالیت‌ها، ساخت سازه‌های حلقوی کاغذی

از همان زمان دغدغه‌ام این بود که دوره‌ها را به گونه‌ای طراحی کنیم که خلاقانه، کاربردی و کم‌هزینه باشند تا همه خانواده‌ها بتوانند از آن استفاده کنند.

از سال ۱۳۹۹ تاکنون به صورت جدی در مدارس دولتی و غیردولتی، پژوهش‌سراها و مراکز آموزشی اصفهان دوره‌های هوافضا برگزار کرده‌ام و در کنار آن به عنوان داور لیگ هوافضای مسابقات استانی آموزش و پرورش نیز فعالیت دارم.

هدف: ساختن دانشمندان آینده

هدف اصلی من این است که کودکان با مفاهیم علمی از طریق ساخت و تجربه عملی آشنا شوند. ما می‌خواهیم بچه‌ها سازه‌هایی بسازند که واقعاً پرواز کنند. این مسیر از ساده‌ترین مواد و ابزارها آغاز می‌شود؛ اما می‌تواند به شکل‌گیری ذهنیت مهندسی و علمی در آنان منجر شود.

آموزش مستمر و توسعه کسب‌وکار

در کنار فعالیت‌های آموزشی، برای توسعه دانش مدیریتی و کسب‌وکار خودم نیز تلاش کردم. توانستم در دوره‌های کسب‌وکار اتاق بازرگانی و همچنین دوره‌های کارآفرینی و بازاریابی شهرداری شرکت کنم. این آموزش‌ها نگاه



بود که تا ۲۰ متر پرواز می‌کردند. برنامه‌ای نیز در رویداد «هم‌کشوریم» داشتیم که این برنامه با حضور خانواده‌ها برگزار شد و در آن ۱۷۰ یادکنک با طرح پرچم ایران ساخته و به یاد شهدای میناب به آسمان فرستاده شد.

روایت توانمندی‌های علمی و فضایی ایران برای نسل نوجوان

بعد از ۳۰ شب اجرا به صورت گروهی که با داوطلبانه و یا با حمایت شهرداری اصفهان صورت گرفت، خودم به‌طور انفرادی در موبک محل به اجرای برنامه پرداختم. بقیه موبک‌ها هم بعد از آشناسدن با موضوع، درخواست اجرا دادند که اجراها تا الان ادامه داشته است و نزدیک به ۵۰ شب است که اجرا داشته‌ام.

بخش مهم در این اجراها به معرفی دستاوردهای علمی و فناوری کشور در حوزه هوافضا اختصاص دارد. در برنامه‌ها تلاش می‌کنم توانمندی‌های ایران در حوزه هوافضا را برای مخاطبان تبیین کنم. ایران جزو کشورهای دارای توان طراحی، ساخت و پرتاب ماهواره و جزو پنج کشوری است که به توانایی ساخت موشک هایپرسونیک دست یافته؛ این موضوع برای بسیاری از مخاطبان جذاب و الهام‌بخش است.

آشنایی نوجوانان با این دستاوردها می‌تواند انگیزه بیشتری برای تحصیل و فعالیت علمی در آنان ایجاد کند.

تجربه سال‌ها ترویج علم؛ رمز ارتباط با مخاطب

سال‌ها فعالیت در حوزه ترویج علم به من یاد داد که چگونه مفاهیم پیچیده علمی را به زبانی ساده، کوتاه و جذاب برای گروه‌های مختلف سنی بیان کنم. امروز تلاش می‌کنم مطالبی ارائه دهم که هم برای نوجوانان قابل فهم و هیجان‌انگیز باشد و هم بزرگسالان بتوانند از آن بهره ببرند.

امیدوارم کودکانی که امروز در این دوره‌ها شرکت می‌کنند، در آینده به دانشمندان، مهندسان و متخصصان تأثیرگذار کشور تبدیل شوند.



اولین شهید محله

گفت‌وگو با سید جعفر میر، برادر شهید سید علی میر

خیابان سروش، کوی مشکین، کوچه‌ای که محل قد کشیدن و بزرگ‌شدنش بود. با تربیت دینی و رزق حلال بزرگ شد و پا در راهی گذاشت که راه حقیقت بود.

شاید وقتی صوت قرآنش در کوچه می‌پیچید و همسایه‌ها گوش تیز می‌کردند برای شنیدنش، نمی‌دانستند قرار است که روزی یک کوچه آن‌طرف‌تر به نامش شود؛ کوچه‌ای به نام شهید سید علی میر.

اولین شهید محله شد و چشم و چراغ محله. شنونده روایت زندگی‌اش از زبان سید جعفر میر، برادرش می‌شویم.

پدرم انقلابی بود و از مقلدان حضرت امام (ره)

برادرم متولد سال ۱۳۴۰ بود و فرزند چهارم خانواده. او دو سال از من کوچک‌تر بود. پدرمان کارگر کارخانه صنایع پشم بود و مادرم خانه‌دار که هر دو به رحمت خدا رفته‌اند.

پدرم از نیروهای انقلابی سال ۴۲ بود و از مقلدین حضرت امام خمینی (ره). این شد که ما هم مقلد حضرت امام بودیم مثل ایشان در راه ایشان قرار گرفتیم. پدرم نیز در این مسیر مشوق بسیار خوبی برایمان بود.

از اول ابتدایی نمازش ترک نمی‌شد

ما در یک خانواده مذهبی بزرگ شدیم. با روزی حلال پدر و عشق به اهل بیت (س) که از مادر آموختیم. یاد می‌آید که سید علی قبل از تکلیف، انجام عبادات و دستورهای دینی را بر خودش واجب کرده بود. در احکام و مسائل شرعی دقت می‌کرد و از وقتی خوب و بد را از هم تشخیص داد، سؤال‌های شرعی خود را از پدر و مادرم می‌پرسید.

از اول ابتدایی نمازش ترک نمی‌شد؛ حتی نماز صبح که مشقت بیشتری دارد. از وقتی هم که به تکلیف رسید، نگذاشت یک نماز یا روزه‌اش ضایع شود و به نماز جماعت اهمیت زیادی می‌داد.

صوت قرآن بسیار زیبا و دلنشینی داشت

بسیار خوش‌اخلاق و در بین اقوام و دوستان زبانزد خاص و عام بود. او اصلاً اهل غیبت نبود و صوت قرآن بسیار زیبایی داشت. یکی از همسایگان قدیمی‌مان می‌گفت که من هر وقت از نماز صبح مسجد برمی‌گردم، می‌ایستم و صوت قرآن سید علی را از پشت دیوار خانه گوش می‌دهم و لذت می‌برم.

شعر می‌سرود و تلازم نبود حرف نمی‌زد

بسیار مطالعه را دوست داشت و دانش‌آموز درس خوانی بود. به خواندن کتاب‌های شهید مطهری علاقه داشت. تیم فوتبالی تشکیل داده بود و در مقطع راهنمایی در تیم مدرسه بود.

روحیه‌ای لطیف و شاعرانه داشت. اشعاری هم سروده و در دفترش نوشته بود. بیشتر اوقات ساکت بود و تا واجب نبود سخنی نمی‌گفت. معتقد بود باید انسان، سنجیده و



حساب‌شده سخن بگوید و زبانش را بیهوده نچرخاند.

اعلامیه‌ها را روی نیمکت‌های مدرسه می‌گذاشت

در شش سالگی و در سال ۴۷ به دبستان نهم آبان سابق رفت و در سال ۵۱ موفق به گرفتن تصدیق ابتدایی شد. سپس به دبیرستان ۶ بهمن سابق رفت و در سال ۵۵ پس از گرفتن مدرک سوم راهنمایی، وارد دبیرستان هراتی شد و در آن مدرسه دیپلم گرفت. آن زمان دوران پیروزی انقلاب بود و برادرم هم در فعالیت‌های ضد رژیم شاهنشاهی، مانند پخش اعلامیه در دبیرستان فعال بود. با سه نفر از دوستانش اعلامیه‌ها را روی نیمکت‌های دانش‌آموزان می‌گذاشتند. بعد از مدتی مدیر مدرسه فهمیده و به شدت تهدید کرده بود؛ ولی موفق به شناسایی آن‌ها نشده بود.

روی پشت بام درازکش شعار می‌دادیم تا دیده نشویم

مرتب در تظاهرات شرکت می‌کردیم و شب‌ها روی پشت بام الله اکبر می‌گفتیم. ما به خاطر یکی از اهالی محل که از چماق‌دارها بود، به حالت درازکش شعار می‌دادیم تا دیده نشویم.

همسایه‌مان روزی با یک ماشین ارتشی آمد توی محل. می‌خواست ایجاد ترس و وحشت کند و به قولی زهر چشم بگیرد و با

چوب و چماق چند نفر را دستگیر کند؛ اما محله خلوت بود و موفق به این کار نشد. با نزدیک شدن پیروزی انقلاب هم از محله پا به فرار گذاشت.

راه امام و شهادت را انتخاب کرده بود

بعد از گرفتن دیپلم، مدت کوتاهی در بازار به کار بسته‌بندی تریکو مشغول شد. قرار شد با دوستش فکری کنند برای ادامه مسیر زندگی. چند روز که گذشت سید علی تصمیم خودش را گرفت. راه امام و شهادت را انتخاب کرده بود.

سال ۵۸ به عضویت سپاه درآمد

سال ۵۸ وارد سپاه و از نیروهای رسمی سپاه شد. او مدتی از محافظان قائم مقام رهبری آن زمان بود و دو باری برای مأموریت به شیراز و قم رفت؛ تا اینکه قائله کردستان پیش آمد. هنوز جنگ تحمیلی شروع نشده بود. وقتی مخالفت عده‌ای را برای رفتن دید، گفت؛ عازم سفرم. من کمتر از برادران خود نیستم؛ باید بروم. تصمیمش را گرفته بود. با عجله به خانه آمد و ساکش را برداشت. گفتم من می‌خواستم به کردستان بروم. نگاهی کرد و گفت شما بعد از من بروید.

با اولین گروه اعزامی به کردستان رفت

دوره‌های آموزشی و چریکی را در پادگان ۱۵ خرداد دید. با اولین گروه اعزامی به همراه سردار رحیم صفوی که آن زمان مسئول

عملیات سپاه پاسداران اصفهان بود، به کردستان رفت.

مادرم مریض شده بود. پدرم با او تماس گرفت تا برگردد؛ ولی قبول نکرد.

بسیار زیبا اذان می‌گفت

رفته بود فرودگاه. به او گفته بودند اسمت در لیست نیست. جواب داده بود که می‌دانم ولی؛ دیگر طاقت ماندن ندارم. با اصرار زیاد، همانجا اسمش را در لیست نوشته بودند. دوستانش نقل می‌کردند قبل از پرواز، وقت نماز بود. اذان نماز جماعت را سید علی با صدای زیباییش گفت. بسیار زیبا اذان می‌گفت.

از فرودگاه حمله دشمن شروع شده بود

فروردین سال ۵۹ بود. زمانی که هواپیمایشان در سنج می‌نشاند از همان لحظه شلیک دشمن به آن‌ها شروع شده بود. پس از درگیری و مقاومت بسیار، توانسته بودند از آن مهلکه جان سالم به در ببرند و به پایگاهشان برسند. منطقه کوهستانی بود و موقعیت سختی برای نبرد داشت.

اردیبهشت ۵۹ با اصابت تیر، به شهادت رسید

پانزدهم اردیبهشت سال ۵۹ وقتی در مقر بود، برای گرفتن وضوی نماز صبح به محوطه مقر رفته بود. به وسیله تیر اسلحه‌ای دوربین‌دار که به پشت سرش اصابت کرده بود به شهادت رسید. فدهم اردیبهشت ایشان از مسجد الغفور، مسجد محل، تشییع باشکوهی شد و در گلستان شهدا به خاک سپرده شد. فرصت نکرده بود وصیت کاملی بنویسد. کاغذی در جیبش بود که روی آن نوشته بود: «سلام من را به پدر و مادرم برسانید و از همه حلاوت بطلبید. اگر شهید شدم به اصفهان ببرید و در کنار برادرانم به خاک بسپارید.»

خبر شهادتش را از تلویزیون شنیدیم

آن زمان هنوز رسم نشده بود که برای دادن خبر شهادت به در منزل شهید بیایند. همین شد که برای ما اعلام خبر شهادت ایشان از تلویزیون، به خاطر تلخ و فراموش‌نشده تبدیل شد.

من از سال ۵۷ به عضویت سپاه درآمدم. شب وقتی از محل کار برگشتم، ساعت حدود ۹ بود و پدرم جلوی در منزل نگران ایستاده بود. تلویزیون هنگام اعلام نام شهدای سنج، از سید علی میر اصفهانی نام برده بود. مادر و پدر هر دو این خبر را شنیده بودند و مادرم بسیار ناراضی می‌کرد. حدس می‌زدم که برادرم باشد؛ ولی برای اینکه آن‌ها آرام شوند گفتم دنبال فامیل ما که اصفهانی نیست؛ احتمالاً فرد دیگری بوده است. اما هیچ اشتباهی در کار نبود و سید علی میر شد اولین شهید محله و از اولین شهدای شهر اصفهان.



منیره فهامی

روایت هیئتی که با شهدا نفس می‌کشد

گفت‌وگو با امید احمدی، مسئول فرهنگی هیئت فدائیان حسین (ع)



از لحظه ورود به صحن باصفای امامزاده شاه‌میرحمزه (ع)، گنبد سبزرنگ و گلدسته‌های بلند این بقعه متبرکه نگاه هر زائری را به خود جلب می‌کند. در گوشه‌ای از این فضای معنوی، مزار شهیدی قرار دارد که مدتی با عنوان شهید گمنام میهمان دل‌های زائران بود؛ شهیدی که پس از خاک‌سپاری، هویتش شناسایی و مشخص شد «شهید بهرام رجبی» از خطه زنجان است.

شب‌های جمعه اما، شاه‌میرحمزه حال و هوای دیگری دارد؛ دو ساعت مانده به اذان صبح، نوای مناجات و دعای کمیل با صدای دلنشین مداح اهل‌بیت (ع)، سید رضا نریمانی، در صحن امامزاده طنین‌انداز می‌شود و دل‌های مشتاق را به میهمانی سحرگاهی معنویت فرا می‌خواند. هیئت فداییان حسین (ع) در سال‌های اخیر با اجرای برنامه‌های گسترده مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و جهادی، نقش مهمی در پویایی این فضای معنوی ایفا و آن را به یکی از کانون‌های فعال فرهنگی و مذهبی شهر تبدیل کرده است.

آنچه در ادامه می‌خوانید، حاصل گفت‌وگو با امید احمدی، مسئول فرهنگی هیئت فداییان حسین (ع)، درباره فعالیت‌ها، برنامه‌ها و خدمات این مجموعه مردمی است.

هیئتی با هویت انقلابی و شهدایی

امید احمدی با اشاره به سابقه فعالیت این مجموعه گفت: هیئت فداییان حسین (ع) با محوریت سید رضا نریمانی از سال ۱۳۸۷ فعالیت خود را آغاز کرد و از همان ابتدا پرچمدار آرمان‌های انقلاب اسلامی بوده است.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این هیئت، توجه ویژه به فرهنگ ایثار و شهادت است. از اشعار و روضه‌خوانی‌ها گرفته تا فضای کلی جلسات، همگی رنگ و بوی شهدایی دارند و یاد شهدا به عنوان یکی از پایه‌های اصلی فعالیت هیئت همواره زنده نگه داشته می‌شود.

تعدادی از مستمعین این هیئت نیز به شهادت رسیده‌اند. شهیدانی مثل امید اکبری، از قدیمی‌های هیئت که در حادثه تروریستی جاده زاهدان به شهادت رسید. شهید صفاریان از شهدای جنگ دوازده‌روزه، شهید براتی و شهید قانندی از شهدای جنگ رمضان و شهید جواد محمدی.

دوازده سال مناجات سحرگاهی و دعای کمیل

مسئول فرهنگی هیئت فداییان حسین (ع) با اشاره به برنامه‌های عبادی این مجموعه افزود: ما از جمله محدود هیئت‌هایی هستیم که برنامه خواندن دعای کمیل در سحرهای جمعه داریم. این مراسم حدود ۱۲ سال است به صورت مستمر برگزار می‌شود.

آقا سید اهتمام ویژه‌ای به مناجات‌خوانی دارد و حتی در شب‌هایی که جلسه هفتگی هیئت پس از نماز مغرب و عشا برگزار می‌شود، برنامه سحرگاهی ترک نمی‌شود. این مراسم دو ساعت

خانواده‌های آنان برگزار شد که همراه با جشن و پذیرایی بود. برای این بخش مربیان مشخص و برنامه‌ریزی‌های منظم تربیتی در نظر گرفته شده است.

سخنرانی‌ها و اشعار متناسب با مسائل روز

مسئول فرهنگی هیئت گفت: محور سخنرانی‌ها بر اساس شعارهای مناسبی تعیین می‌شود و موضوع‌هایی همچون حجاب، خانواده، مسائل اجتماعی و انقلابی در برنامه‌ها موردتوجه قرار می‌گیرد؛ برای نمونه، در محرم یک سال، موضوع حجاب با شعار «خیمه افتاد، حجاب از سر زینب هرگز» محور برنامه‌ها قرار گرفت و اشعار آقا سید نیز در همین راستا سروده و اجرا شد.

کارگروه شعر؛ تولید محتوای آیینی متناسب با رویدادها

احمدی از برگزاری جلسات هفتگی شعر در هیئت خبر داد و افزود: با حضور آقا سید رضا نریمانی و جمعی از شاعران، هر هفته کارگروه شعر برگزار می‌شود. در این جلسات متناسب با مناسبت‌ها و رویدادهای مختلف، اشعار جدید سروده و با دقت فراوان، تک‌تک واژگان بررسی می‌شود تا به متن نهایی برسد.

فعالیت رسانه‌ای و رونمایی از کتاب

او با اشاره به فعالیت بخش رسانه هیئت بیان کرد: تولید کلیپ‌ها و تیزرهای مداحی‌های آقا سید رضا نریمانی از مهم‌ترین اقدامات این بخش است که در فضای مجازی و رسانه ملی منتشر می‌شود. احمدی همچنین از برگزاری برنامه‌های فرهنگی در حوزه کتاب خبر داد و افزود: معرفی کتاب و رونمایی از آثار جدید در مناسبت‌های مختلف از برنامه‌های ثابت هیئت است.

حضور مؤثر در موکب‌ها و دیدار با خانواده شهدا

احمدی اظهار کرد: هیئت فداییان حسین (ع) از نخستین مجموعه‌هایی بود که از همان شب اول جنگ رمضان در میدان انقلاب و میدان فیض موکب برپا کرد و در روزهای ابتدایی تجمعات مردمی میدان‌داری را برعهده گرفت.

پس از آن، آقا سید از سوی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر شهید، مأموریت یافت تا برای دیدار با خانواده‌های شهدا و اجرای برنامه به شهرهای مختلف برود. ایشان به بیش از ۱۲ استان کشور از جمله فارس، یزد، هرمزگان و دیگر مناطق سفر کرد و ضمن دیدار با خانواده شهدا در تجمعات مردمی حضور یافت و به اجرای برنامه پرداخت. اکنون نیز هیئت فداییان حسین (ع) پشتیبانی سه موکب مردمی را برعهده دارد و امکانات، تجهیزات، آب، چای و سایر نیازهای آن‌ها را تأمین می‌کند.

تقویم گسترده برنامه‌های مذهبی

احمدی در پایان به برنامه‌های مناسبی هیئت اشاره کرد و گفت: جلسات هفتگی شب‌های جمعه پس از نماز مغرب و عشا و همچنین دعای کمیل سحرگاهی به صورت مستمر برگزار می‌شود؛ همچنین برنامه «چهل شب مناجات» در ده شب پایانی ماه شعبان و سراسر ماه مبارک رمضان برگزار می‌شود.

دهه فاطمیه، دهه اول محرم، اوخر دهه سوم و اوایل ماه صفر نیز مراسم روضه‌خوانی و موکب پذیرایی برپاست. در ایام اربعین حسینی نیز اعضای هیئت به مدت ۱۰ شب در موکب امام رضا (ع) در مسیر نجف به کربلا حضور دارند و برنامه‌های فرهنگی و مذهبی انجام می‌دهند.

احمدی خاطرنشان کرد: در مناسبت‌هایی همچون رحلت پیامبر اکرم (ص)، امام حسن مجتبی (ع)، امام رضا (ع)، روز پرستار و روز جانباز نیز برنامه‌های ویژه برگزار می‌شود و اعضای هیئت با حضور در مراکز درمانی و آسایشگاه‌های جانبازان از این عزیزان تجلیل می‌کنند.

هم نشینی عسکریه با ترافیک

گشت و گذار در محله و بازتاب مشکلات محله



روبه روی خیابان می ایستم و تابلوی خیابان عسکریه راهنمای اول من است برای ورود به محله ای قدیمی. محله عسکریه اما نام آشناست به واسطه بیمارستان عسکریه؛ یک بیمارستان قدیمی که سال ۱۳۴۵ با نیت خیرخواهانه سنگ بنایش گذاشته و محلی شد برای درمان مردم محله و محله های اطراف. کمی که چشم بچرخانی کنی امامزاده شاه میرحمزه هم خودنمایی می کند؛ جایی که خاستگاه گروه های مذهبی و مردم محله عسکریه است. در کنار این مکان مذهبی، وجود مراکز بزرگ آموزشی و ورزشی در محله از دیگر شاخصه های آن است. همین شاخصه ها باعث شده تا محله و به خصوص خیابان عسکریه، همیشه پرازدحام و پرتراфик باشد. خیابان عسکریه سابقه طولانی دارد.

بیمارستان و پارک های دوبلی که منشأ ترافیک است

در این سال ها توسعه بیمارستان و تغییر کاربری مغازه ها در حاشیه خیابان و تبدیل شدن واحدهای مسکونی به تجاری، بر شلوغی و ترافیک آن افزوده است. یکی از دلایل مهم ترافیک این خیابان، پارک دوبل است. برخی از مراجعه کنندگان بیمارستان ترجیح می دهند در کنار خیابان و از پارک دوبل استفاده کنند؛ درحالی که بیمارستان پارکینگ دارد. برخی اذعان می کنند که ورودی و خروجی پارکینگ بیمارستان دسترسی مناسبی ندارد و با توسعه بیمارستان استفاده از آن سخت شده است؛ برای همین ترجیح می دهند از پارک حاشیه خیابان استفاده کنند.

خیابانی که عرضش توان پاسخگویی ندارد

وقتی در میان پیاده روهای کنار خیابان قدم بزنی به سختی رفت و آمد و شلوغی محسوس خیابان پی می بری. مغازه دارها که برخی از کسبه، قدیمی هستند و سال های زیادی است در خیابان عسکریه مغازه داری می کنند هم از وضعیت موجود و کمبود پارکینگ و عرض کم خیابان، گلایه دارند. خیابان عسکریه با توسعه خدمات و افزایش رفت و آمد عریض نشد و عرض کمش امروز باعث مشکلات زیادی برای مردم، به خصوص اهالی محله شده است. کاربری های زیادی در خیابان عسکریه تعریف شده؛ اما عرض خیابان با توجه به این کاربری ها تعریض نشده است. نکته دیگری که در این خیابان به چشم می آید، رعایت نشدن حریم خیابان و پیاده رو است. برخی از مغازه ها عقب نشینی لازم را رعایت نکرده اند و همین مسئله باعث شکل هندسی نامناسب پیاده روها شده و نظم آن در برخی نقاط به هم خورده است.

از سوزاندن پسماند بیمارستان در همسایگی مان نگذاریم

یکی از کوچه های مشرف به خیابان را برای ورود به داخل محله عسکریه انتخاب می کنم. کوچه نزدیک بیمارستان است و ترافیک بیمارستان و خیابان عسکریه راه باز می کند تا داخل کوچه. این وضعیت برای خیلی از کوچه های مشرف به

به بوستان سروش رسیدگی کنند

خیابان سروش در ضلع جنوبی محله عسکریه این روزها پاتوق موتورفروشا شده است. پیاده روهای اشغال شده از موتورسیکلت و مزاحمت برای عابران پیاده، وضعیتی است که در این خیابان به وضوح دیده می شود. اشغال پیاده رو و سدمعبر از اثرات حضور موتورسیکلت فروش های خیابان سروش است! البته شهرداری اظهارهایی به آن ها بابت سدمعبر داده؛ اما فرق چندانی در وضعیت پیاده رو این خیابان نکرده است.

در میانه خیابان هم بوستان سروش واقع شده. عصر است و بوستان پر از بچه و خانواده هایی است که آمده اند تا ساعتی آرامش بگیرند و بچه ها چندساعتی مشغول بازی شوند. یکی از والدین نزدیک می آید و می گوید: «وسایل پارک قدیمی و بعضی از آن ها غیراستاندارد است. تاب برای بازی بچه ها نیست و فضای بازی محدود است. این تنها بوستان محله عسکریه است که مردم بچه ها را برای بازی به اینجا می آورند. کف پوش محل بازی بچه ها آسیب دیده و سطح نایمینی دارد. برخی از وسایل بازی هم به لحاظ ایمنی برای بچه ها خطرآفرین هستند؛ چون فرسوده شده اند.» بوستان سروش تنها یک شیر آب داشت و نداشتن سرویس بهداشتی و نیمکت به تعداد کافی، از مهم ترین مشکلات آن بود.

افراد مسن و خانواده ها عصرها برای گذراندن وقت راهی بوستان سروش می شوند؛ اما کمی امکانات آزارشان می دهد. مردی میان سال هم از کمبود امکانات بوستان و البته رسیدگی نکردن به وضعیت فرهنگی آن گلایه داشت.

پل مکانیزه رهاشده در کنار بوستان سروش

در کنار پارک، پل مکانیزه ای قرار دارد که درش بسته بود و زباله ها و خاک های انباشته شده روی پله ها نشان از آن داشت که مدت ها است پله برقی کار نمی کند و مردم برای عبور از پل باید از پله های ثابت استفاده کنند. سختی عبور از پله های ثابت برای افراد مسن مسئله ای بود که عابران به آن اشاره داشتند و از بی توجهی به تعمیر پله برقی گلایه داشتند.

زیباسازی مادی مرغاب جدی گرفته نشده است

عبور مادی مرغاب از میان محله عسکریه یکی دیگر از قابلیت ها و البته جاذبه های محله است. در برخی از قسمت ها اقداماتی برای ترمیم و بازسازی مادی انجام شده و قسمت های دیگر مادی در انتهای محله و در محدوده خیابان فرسان رها شده بود. دیوارهای مادی فروریخته بود و در کنار مادی و در کوچه مرغاب، فضایی را که به نظر می رسید قرار است نقش فضای سبز را پیدا کند، نیمه کاره رها کرده اند. تعدادی درخت در محوطه کاشته شده و قسمت های دیگر زمین رها شده بود.

زمین بایر و نخاله های انباشته در آن چهره نامناسبی به اطراف مادی مرغاب داده بود. در کوچه مرغاب تیر برقی درست در میانه راه مردم قرار گرفته و جابه جایی تیر برق بعد از انجام بازسازی، اتفاق نیفتاده و جای بسیار نامناسب آن در رفت و آمد مردم محله اختلال ایجاد کرده بود. زمین های بایر و بافت فرسوده در میان محله هم قابل چشم پوشی نبود و در برخی از کوچه ها باعث نازیبایی شده بود.





مریم نقیان

از مسجد الغفور تا متن زندگی

روایتی از فعالیت‌های پایگاه بسیج خواهران حضرت فاطمه (س)

در بعضی محله‌ها، مسجد فقط محل اقامه نماز نیست؛ جایی است که زندگی در آن جریان دارد، آدم‌ها در آن به هم می‌رسند، برای روزهای سخت چاره می‌کنند و برای مناسبت‌های مذهبی و اجتماعی، کنار هم می‌ایستند. مسجد الغفور یکی از همین مسجدهاست؛ مسجدی که سال‌هاست پایگاه بسیج خواهران حضرت فاطمه (س) در آن فعالیت می‌کند و بخش مهمی از برنامه‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی محله را پیش می‌برد.

ریحانه صادقی، فرمانده پایگاه بسیج خواهران حضرت فاطمه (س)، از سال‌های نوجوانی در این فضا حضور داشته و مسیر فعالیتش از کلاس‌های تابستانه بسیج آغاز شده است؛ مسیری که امروز به مسئولیت فرماندهی پایگاه رسیده و همچنان با همان پیوند قدیمی با مسجد ادامه دارد. فرمانده پایگاه بسیج خواهران حضرت فاطمه (س) پس از سلام و احوال‌پرسی می‌گوید: «متولد سال ۱۳۶۳ هستم. از سال ۱۳۸۰ فعالیت‌هایم در بسیج را در مسجد الغفور آغاز کردم؛ مسجدی که کنار منزل پدری ما قرار دارد. فعالیت خود را با کلاس‌های تابستانه شروع کردم و بعد از مدتی در قسمت‌های مختلف بسیج مسئولیت پیدا کردم و فعالیت داشتم تا امروز که حدود یک سال و چهارماه است فرمانده پایگاه بسیج خواهران هستم.»

این همراهی چندساله باعث شده است که روایت او از مسجد الغفور، روایتی از درون باشد؛ روایتی که در آن، مسجد فقط یک مکان نیست؛ بلکه بستری است برای شکل‌گیری تجربه‌های مشترک و حضور مداوم بانوان در متن فعالیت‌های محله.

از همان سال‌های ابتدایی، یکی از برنامه‌های مهمی که در مسجد الغفور برگزار می‌شد، اعتکاف بود؛ برنامه‌ای که به گفته صادقی، خواهران در آن نقش پررنگی داشتند و همکاری نزدیک میان بخش خواهران و برادران، یکی از عوامل برگزاری منظم آن بوده است.

صادقی، در ادامه به سایر برنامه‌های پایگاه اشاره می‌کند: «در ایام ماه رجب، از همان سال‌های ابتدایی که بنای اعتکاف گذاشته شد، مسجد الغفور یکی از مساجدی بود که اعتکاف را برگزار کرد و خواهران در این برنامه خیلی قوی عمل کردند. از آنجایی که همکاری خواهران و برادران در برگزاری اعتکاف دارای اهمیت است، مسجد الغفور به دلیل همکاری خوب خواهران برنامه اعتکاف منظم و خوبی را برگزار می‌کرد.»

فعالیت‌های این پایگاه به ماه رجب محدود نمانده و در مناسبت‌های مختلف مذهبی ادامه داشته است. دهه اول محرم یکی از همین مقاطع است؛ زمانی که بخش خواهران در کنار بخش برادران، در اجرای برنامه‌ها نقش آفرینی می‌کند. آن‌طور که صادقی روایت می‌کند، برنامه‌های محرم فقط به مراسم عزاداری خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در کنار آن،



فرمانده پایگاه بسیج خواهران حضرت فاطمه (س) سپس به برنامه‌هایی که با آغاز جنگ رمضان صورت گرفته اشاره می‌کند: «در پایگاه بسیج خواهران، پس از آغاز جنگ، از مرکز بهداشت شهید رستمیان مشاور دعوت کردیم تا در رابطه با مباحثی از جمله تاب‌آوری در بحران، مدیریت استرس، وسواس و... جلسات مشاوره داشته باشیم.»

این برنامه‌ها فقط به جلسات مشاوره محدود نشده است. به گفته او، در تجمعات شبانه‌ای که از ابتدای جنگ تا امروز به صورت مستمر برگزار شده، میزهای خدماتی مختلفی نیز در نظر گرفته شده تا مردم بتوانند از مشاوره‌ها و خدمات مورد نیازشان استفاده کنند: «هر شب در حوزه طب اسلامی از اساتید دعوت کردیم تا در میزهای خدماتی که در تجمعات شبانه قرار دادیم، به مردم خدمات مورد نیازشان را ارائه دهند. در این میز خدمت‌ها، مشاور پوست و مو هم وجود دارد. از ابتدای جنگ تاکنون تجمعات شبانه ما به صورت مستمر برگزار می‌شود.»

تجمعات شبانه فقط محلی برای حضور بزرگ‌ترها نبوده است. در این برنامه‌ها، برای کودکان هم فضا و برنامه‌ای در نظر گرفته شده تا خانواده‌ها بتوانند با فراغ‌بال بیشتری در مراسم حاضر شوند.

صادقی به برنامه‌ای که برای کودکان داشتند اشاره می‌کند و می‌گوید: «در تجمعاتی که در خیابان داریم، برای کودکان نیز حسینه کودکان را تأسیس کردیم.»

در کنار این فعالیت‌ها، مناسبت‌هایی مثل عید غدیر نیز با برنامه‌ریزی گسترده برگزار شده است. صادقی به برگزاری مراسم در

برنامه‌های فرهنگی و مشاوره‌ای هم در نظر گرفته شده است.

فرمانده پایگاه بسیج خواهران حضرت فاطمه (س) می‌گوید: «دهه اول محرم خواهران با برادران همکاری و برنامه‌ها را برگزار می‌کنند. برنامه محرم با فعالیت‌های فرهنگی همراه بود و حلقه‌های مختلفی با حضور اساتید برگزار می‌شد؛ همچنین مشاوره‌های انفرادی و گروهی نیز داریم.» در نیمه شعبان هم بخش خواهران مسجد الغفور هر سال برنامه فرهنگی ویژه‌ای داشته و در کنار آن از حاضران پذیرایی می‌شده است؛ برنامه‌ای که نشان می‌دهد فعالیت این پایگاه، محدود به مناسک رسمی نیست و تلاش کرده مناسبت‌ها را به فرصتی برای حضور و مشارکت بیشتر مردم تبدیل کند. در نیمه شعبان، قسمت خواهران مسجد الغفور هر سال یک برنامه فرهنگی داشتند و در کنار آن پذیرایی نیز صورت می‌گرفت. ماه مبارک رمضان هم از دیگر زمان‌هایی است که مسئولیت‌های مشخصی بر دوش بانوان پایگاه قرار می‌گیرد؛ به‌ویژه در شب‌های قدر که نظم و پذیرایی، بخش مهمی از برگزاری مراسم را تشکیل می‌دهد. در ماه مبارک رمضان، خواهران در شب قدر مسئولیت پذیرایی و انتظامات را برعهده دارند.

بخش دیگری از فعالیت‌های این پایگاه، به شرایط خاص ماه‌های اخیر و نیازهای روحی و اجتماعی مردم مربوط می‌شود. او توضیح می‌دهد که پس از آغاز جنگ، از ظرفیت مشاوران برای پاسخ‌گویی به برخی نیازهای روانی و اجتماعی استفاده کرده‌اند.



فضای عمومی پارک سروش اشاره می‌کند؛ جایی نزدیک مسجد که به گفته او، انتخابش با این نگاه بوده که افراد بیشتری بتوانند از فضای برنامه استفاده کنند.

او در رابطه با چگونگی برگزاری مراسم عید غدیر بیان می‌کند: «مراسم غدیر را نیز بسیار پرشور برگزار کردیم. پارسال نیز مراسم عید غدیر را در پارک سروش که نزدیک به مسجد است برگزار کردیم تا قشر خاکستری هم از برنامه بهره ببرند. روز عید و روز پس از عید نیز برنامه‌ای بسیار شاد با غرفه‌های متنوع برگزار کردیم. امسال هم با توجه به وضعیت، مراسم عید غدیر در کنار پرچم گردانی برگزار شد.»

او همچنین به بخش‌های دیگری از تجمعات شبانه اشاره می‌کند؛ از نماز استغاثه و آماده‌سازی پلاکاردها تا سخنرانی‌های مناسبتی و برنامه‌های هفتگی: «در تجمعات شبانه نماز استغاثه می‌خوانیم. تعدادی پلاکارد آماده کردیم. برخی از این پلاکاردها در دستان مردم قرار می‌گیرد و برخی دیگر در قسمتی از موکب پذیرایی قرار گرفته تا کسانی که برای خوردن چای تشریف می‌آورند، این پلاکاردها را مطالعه کنند. در تجمعات شبانه، شنبه‌های ام‌البیننی را نیز داریم. وابسته به مناسبت‌ها سخنرانان مختلفی دعوت کردیم.»

پایگاه خواهران، برای کودکان و نوجوانان نیز برنامه‌هایی داشته است؛ چه در فضای داخلی پایگاه و چه در فضای باز. این فعالیت‌ها، جنبه فرهنگی و تفریحی را در کنار هم دارد.

فرمانده پایگاه بسیج خواهران حضرت فاطمه (س) در ادامه می‌گوید: «زمانی که هوا گرم بود، بچه‌ها در پایگاه بازی می‌کردند. در پایگاه بسیج میز ایرهاکی، فوتبال دستی و میز تنیس داریم؛ اما از زمانی که هوا بهتر شد، در پیاده‌رو فوتبال پسران و کاردستی درست‌کردن دختران را راه‌اندازی کردیم؛ همچنین بازی‌های فکری مختلفی نیز برای بچه‌ها وجود داشت.»

در کنار همه این برنامه‌ها، جلسات هفتگی تدبیر در قرآن و بازارچه اقتصاد مقاومتی هم به صورت منظم برگزار است؛ یکی برای تقویت پیوند معنوی و دیگری برای حمایت از فعالیت اقتصادی بانوان: «هر هفته چهارشنبه‌ها برنامه تدبیر در قرآن را برای خواهران داریم. حتی در روزهای جنگی نیز این کلاس تعطیل نشد و بانوان حضور مستمری دارند. یک بازارچه اقتصاد مقاومتی هم داریم که دو بار در ماه برگزار می‌شود.» روایت ریحانه صادقی از مسجد الغفور، روایت یک حضور ممتد است؛ حضوری که از کلاس‌های تابستانه آغاز شده و حالا در شکل‌های متنوع فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و خدماتی ادامه دارد. در این روایت، مسجد الغفور فقط محل برگزاری مراسم نیست؛ جایی است که برنامه‌ریزی، همکاری، مشارکت و پیگیری در آن معنا پیدا کرده و بانوان پایگاه حضرت فاطمه (س) بخشی از بار این جریان را بر دوش گرفته‌اند.



منیره فهامی

شهادت؛ قراری که از قبل گفته بود

گفت وگو با سید حسن سجادی، رزمنده دفاع مقدس و برادر شهید سید علی

است. قصد ترور ما را داشت. به کارهای فنی علاقه زیادی داشتیم. زمانی که در منطقه‌ای دورافتاده مستقر بودم و مدتی فراموش کرده بودند برای بازگرداندن ما نیرو بفرستند، وقت خود را صرف باز و بسته کردن قطعات تانک‌های آسیب دیده کردم.

پس از انتقال به زرهی نجف اشرف، فرمانده متوجه توانایی من در تعمیر و هدایت تانک شد. حتی دوربین یک تانک را که همه تصور می‌کردند از کار افتاده است، تعمیر کردم و توانستم با آن هدف را چندبار با دقت مورد اصابت قرار دهم.

یک روز در پادگان متوجه شدم چیزی شبیه مار روی زمین حرکت می‌کند. وقتی دقیق‌تر نگاه کردم، دیدم نوار فشنگی است که از پشت فس‌ها با نخ ماهیگیری کشیده می‌شود. فردی از بیرون قصد سرقت مهمات برای استفاده در ترورهای خیابانی را داشت که موفق به شناسایی او شدم.

عملیات رمضان و نبرد در محاصره

در عملیات رمضان برای نخستین بار وارد خاک عراق شدیم. شب‌هنگام مسیر را گم کردیم و صبح با پاتک سنگین نیروهای عراقی روبه‌رو شدیم. تعداد تانک‌های دشمن آن قدر زیاد بود که از دور شبیه خاکریز به نظر می‌رسید. نبرد بسیار سختی درگرفت. بسیاری از نیروها به شهادت رسیدند. تیربارچی ما نیز مجروح شد. روده‌های بیرون ریخته‌اش را با قفیه بستم و او را با آمبولانس عقب فرستادم. صحنه‌های سختی بود. یکی از نیروها روی بلندی ایستاده بود. هنگام گزارش وضعیت منطقه به من، هدف گلوله مستقیم قرار گرفت و در برابر چشمانمان، چشمان و پیشانی‌اش رفت. فقط لب‌هایش تکان می‌خورد.

چهل پنجاه نفری روی تانک سوار شده بودند

در اوج محاصره، تصمیم گرفتیم با تانک نیروها را از منطقه خارج کنیم. حدود چهل پنجاه نفر روی تانک سوار شدند. مسیر بسیار دشوار بود و دو بار در باتلاق گرفتار شدیم. بار دوم موتور تانک جوش آورد و عده‌ای با پاشیدن آب جوش آن سوختند. در طول مسیر تعدادی از نیروها بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسیدند. از همه اتفاقات سخت‌تر، موج‌گرفتن یکی از بچه‌ها بود. هر چه از او می‌خواستیم سوار تانک شود متوجه نمی‌شد. فرصت ایستادن هم نبود. یک لحظه ایستادن، بچه‌های دیگر را به شهادت می‌رساند. سرانجام به میدان مین رسیدیم و پس از عبور از منطقه درگیری، بیهوش شدم. سه روز در بیمارستان بیهوش بودم. خبر شهادتم را به خانواده داده بودند. بعد از چند روز برگشتم.



می‌دانست دفعه آخر است که می‌رود

مغازه در و پنجره آلومینیومی داشتیم. هر بار که می‌خواست بروم، به زور پولی در جیبش می‌گذاشتم. آخرین بار اما هرچه تلاش کردم قبول نکرد. می‌گفت نیازی ندارم. انگار می‌دانست دفعه آخر است. قبل از شهادت سید علی، پدر و مادرم در یک شب خواب‌هایی دیدند که خبر از شهادت سید علی می‌داد. وقتی خبر شهادتش را آوردند، داخل خودرو سرکوبه نشسته بودم. نگفتم برادرش هشتم وقتی خبر را شنیدم. ماشین را رها کردم و کنار کوبه نشستم. به این فکر می‌کردم با ناراحتی قلبی مادرم، چطور خبر را به او بگویم! وقتی مادرم فهمید، با صبری مثال‌زدنی گفت: «من یک امانت داشتم که آن را در راه خدا دادم». از من صبورتر بود. خدا به او این توان را داده بود.

پدرم روحانی و نماینده امام (ره) در امور وجوهات بود. در مدرسه ملا عبداللّه حجره داشت و به طلاب درس می‌داد. خانواده‌ای مذهبی داشتیم. ما پنج برادر بودیم و به خاطر سید بودنمان پدر همیشه با احترام و پیشوند آقا صدایمان می‌کرد. وقتی برای نماز صبح صدایمان می‌زد صدای «آقا علی، آقا رسول، آقا حسن...» خانه را پر می‌کرد. همسایه‌ها می‌گفتند هر صبح صدای «آقا آقا» از این خانه بلند می‌شود. پدرم می‌گفت: «طوری نیست. این هم باب خیری است تا همسایه‌ها هم برای نماز بیدار شوند». سید علی، سال ۱۳۶۰ در جبهه دارخوین به شهادت رسید. بعد از شهادت او، یکی دیگر از برادرانم، آقا رسول، راهی جبهه شد. من هم تصمیم گرفتم به جبهه بروم. در دوران حضورم در جبهه، مأموریت‌هایی در زمینه شناسایی عناصر نفوذی داشتم. یک بار هنگام عبور از پشت خاکریز، نارنجکی کنار ما افتاد. از روی ضربان تند قلب یکی از نیروها فهمیدم همان عضو نفوذی و جاسوس

می‌کردیم. سید علی در آن زمان سرباز بود و از پادگان فرار کرده بود. وقتی فهمیدیم ساواک عکس او را برای دستگیری پخش کرده است، مدتی او را در دیزپچه مخفی کردیم.

بسته‌ها را می‌گذاشت و می‌رفت تا او را نشانند

در روزهای کمبود نفت و ارزاق عمومی، سید علی بی‌سروصدا به خانواده‌های نیازمند کمک می‌کرد. گاری نفت را می‌گرفت و سهمیه نفت افراد ناتوان را به خانه‌هایشان می‌رساند. من یک ژیان داشتم. مرتب او را می‌گرفت. روزی اصرار کردم بدانم با خودروی من چه کاری انجام می‌دهد. پس از اصرار فراوان پذیرفت مرا همراه خود ببرد؛ به شرط آنکه تا زمانی که زنده است چیزی به کسی نگویم. او و دوتا از دوستانش، با درآمد هفتگی‌شان برنج، روغن و مواد غذایی تهیه می‌کردند و آن‌ها را به در خانه نیازمندان می‌رساند. رقتیم خیابان عبدالرزاق، کوبه ۱۱ پیچ؛ آدرس خانواده‌های محروم را پیدا کرده بود و بسته‌ها را پشت در می‌گذاشت و می‌رفت تا کسی او را نشناسد؛ حتی به خانه یک زوج سالمند کلیمی نیز کمک کرد. مواد غذایی را کنار ایوان گذاشت، آن‌ها را صدا زد و بی‌آنکه خود را نشان دهد بازگشت. سید علی، عباس فروزان‌مهر و احمد تاج، باهم این کار را انجام می‌دادند. حالا هر سه از شهدای محل هستند.

گفت: من دومین شهید محل هستم

انجمنی در مسجدالغفور داشتیم. جلسه‌های پرشوری بود. یک روز با بچه‌های محل دور هم نشسته بودیم. سید علی گفت: «اولین شهید این محل علی میر است، دومی من و سومی علی لطفی». همه حرفش را شوخی گرفتند؛ حتی بعد از شهادت علی میر هم پادشاه به حرفش نبود. تا اینکه خبر شهادتش در کردستان رسید.

در میان خاطرات سال‌های انقلاب و دفاع مقدس، گاه روایت‌هایی شنیده می‌شود که تنها شرح یک زندگی نیست؛ روایت انسان‌هایی است که پیش از شهادت، با اخلاق، ایمان، مردم‌داری و بصیرت خود، مسیرشان را انتخاب کرده بودند؛ همان‌ها که شهید بودند قبل از شهیدشدنشان. سیدعلی سجادی از همین جنس بود؛ جوانی اهل مطالعه و تحقیق که دین را با آگاهی برگزید، در روزهای سخت انقلاب کنار مردم ایستاد و سرانجام سال ۱۳۶۰ در جبهه دارخوین به شهادت رسید. آنچه می‌خوانید، روایت برادرش سید حسن سجادی از زندگی، منش و خاطرات این شهید است.

دین موروثی نمی‌خواست

سید علی متولد سال ۱۳۳۸ بود و یک سال از من بزرگ‌تر. او فرزند ششم خانواده بود و من آخری. بیشتر کارها را با هم انجام می‌دادیم؛ حتی لباس‌هایمان را شبیه هم می‌خریدیم. او مانند بسیاری از جوانان آن روزگار، هم کار می‌کرد و هم درس می‌خواند. از همان نوجوانی روحیه‌ای جست‌وجوگر داشت. کتاب‌هایی درباره مارکسیسم و کمونیسم می‌خواند تا بتواند به پرسش‌ها پاسخ دهد. پدرم گاهی اعتراض می‌کرد و می‌گفت این کتاب‌ها ممکن است عقیده انسان را خراب کند؛ اما سید علی می‌گفت: «من دین موروثی نمی‌خواهم؛ دین تحقیقی می‌خواهم». او مطالعات گسترده‌ای در حوزه اعتقادات داشت و در مقابل گروه‌های توده‌ای و مارکسیستی در اطراف دانشگاه با استدلال و منطق بحث می‌کرد. در وصیت‌نامه‌اش نیز تأکید کرده بود که اسلام را با تحقیق و شناخت انتخاب کرده است.

آرامش مردی که برای شهادت ساخته شده بود

سید علی اخلاق بسیار خوبی داشت. اهل تندی و عصبانیت نبود. وقتی که از دست کسی خیلی ناراحت و عصبانی می‌شد، فقط می‌گفت: «!، نگاهش کن!» همیشه این جمله شهید سلیمانی را به یاد می‌آورم که «تا شهید نباشی، شهید نمی‌شوی». سید علی پیش از شهادت، در رفتار و منش خود شهیدگونه زندگی می‌کرد.

قبل از پیروزی انقلاب، با هم در تظاهرات شرکت می‌کردیم. در خیابان سروش، درخت‌های بریده‌شده را وسط خیابان می‌انداختیم تا مانع حرکت خودروهای نظامی شویم. یک‌بار هم خودرویی را به آتش کشیدیم و نیروهای رژیم به سمت ما تیراندازی کردند. به‌طریق مسجدالغفور دویدیم و به لطف خدا آسیبی ندیدیم. برای شنیدن سخنرانی‌های انقلابی به مسجد حکیم می‌رفتیم و اعلامیه‌های امام (ره) را در سطح شهر پخش

اجرای طرح تعریض خیابان عسکریه

پاسخ محمد صیرفی نژاد، مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان، به معضلات شهری ساکنان محله عسکریه



محله عسکریه در استان اصفهان و در محدوده مرکزی شهر اصفهان واقع شده است. این محله از شمال با خیابان فرسان، خیابان مصلی، خیابان اوحدی و خیابان عطار نیشابوری، از شرق با خیابان آل خجند، خیابان پروین اعتصامی و خیابان حکیم شقایب دوم و از غرب با خیابان سروش و خیابان صغیر اصفهانی محدود شده است و با محله‌های هفتون، تالار، طوقچی، بیست و چهارمتری، دشتستان، جوباره و پایین دروازه مجاورت دارد. جمعیت این محدوده ۸ هزار و ۹۶۸ نفر و تراکم آن ۱۱۰ نفر در هر هکتار است. در این محله معضلاتی وجود دارد که ساکنان روایت کرده‌اند و محمد صیرفی نژاد، مدیر منطقه ۱۰ شهرداری اصفهان به آن‌ها پاسخ داده است.

عرض کم خیابان عسکریه، پارک دوبل و ترافیک از معضلاتی است که ساکنان این محله به آن اذعان دارند. شهرداری برای رفع این معضلات برنامه‌ای دارد؟

خیابان عسکریه به دلیل استقرار کاربری‌های متعدد جاذب سفر از جمله بیمارستان عسکریه، امام زاده شاه میرحمزه (ع) و مراکز تجاری، روزانه با حجم بالای تردد خودروها مواجه است؛ همچنین عرض کم برخی مقاطع این خیابان، به‌ویژه محدوده مقابل ورودی اورژانس بیمارستان، موجب تشدید گره‌های ترافیکی و بروز پارک دوبل می‌شود.

برخی از ساکنان می‌گویند با وجود اینکه بیمارستان عسکریه توسعه پیدا کرده، کمبود پارکینگ در این محدوده معضلی شده است. برای رفع این مسئله چه راهکاری دارید؟

در حال حاضر دو پارکینگ عمومی در این محدوده فعال است؛ پارکینگ طبقاتی بیمارستان با مساحت حدود ۹ هزار و ۲۰۰ مترمربع و ظرفیت ۲۵۰ خودرو و پارکینگ روباز جنب کوچه حکیم شفاهی ۳ با مساحت حدود ۱۱۰۰ مترمربع

و ظرفیت ۶۰ خودرو. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده توسط اداره حمل‌ونقل و ترافیک منطقه، تنها در بازه زمانی حدود ساعت ۹ تا ۱۰ صبح ظرفیت این پارکینگ‌ها به‌طور کامل تکمیل می‌شود و در سایر ساعات، امکان استفاده شهروندان از ظرفیت موجود فراهم است. به‌منظور کنترل پارک دوبل، خودروی ثبت تخلفات ایستایی منطقه به‌صورت مستمر و روزانه در این محور حضور دارد و نسبت به اعمال قانون اقدام می‌کند.

منهدم کردن پسماند بیمارستان در محلی نزدیک به خانه‌های مسکونی و کوچه‌های مشرف به محله، معضلی شده است. شهرداری در این خصوص چه برنامه‌ای دارد؟

جمع‌آوری، حمل و امحای پسماندهای عفونی و بیمارستانی بر عهده شهرداری نبوده و مطابق ضوابط، مراکز درمانی موظف هستند از طریق شرکت‌های دارای مجوز و تحت نظارت مراجع ذی‌صلاح، نسبت به جمع‌آوری و امحای این پسماندها اقدام کنند و هزینه‌های مربوط نیز توسط همان مراکز پرداخت می‌شود.

در صورتی که تخلفی در زمینه نگهداری، حمل یا امحای پسماندهای بیمارستانی در محدوده موردنظر مشاهده شود، موضوع از طریق دستگاه‌های مسئول و مراجع ذی‌صلاح قابل پیگیری خواهد بود و شهرداری نیز در چارچوب وظایف قانونی، همکاری و پیگیری‌های لازم را

همچنین آخرین مکاتبه در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۵ با پلیس راهور شهرستان اصفهان انجام شده و آمادگی کامل برای همکاری با پلیس راهور به‌منظور ارتقای نظم ترافیکی این محدوده را دارند.

از سوی دیگر، با توجه به اجرای طرح توسعه بیمارستان، مقرر شده است پس از بهره‌برداری از فاز جدید که پیش‌بینی می‌شود طی دوسه ماه آینده انجام شود، ورود آمبولانس‌ها و خودروهای حمل بیمار به داخل محوطه بیمارستان منتقل شود. اجرای این اقدام موجب رفع

انجام خواهد داد.

وضعیت نامناسب مادی مرغاب در خیابان فرسان و زمین بایر رهاشده و بلاتکلیف در این محدوده آزاددهنده است. توضیحات شما در این خصوص به ساکنان محله چیست؟

در خصوص زمین بایر واقع در مادی مرغاب، روبه‌روی مجتمع بهشت، به استحضار می‌رساند بخشی از این زمین که به شهرداری واگذار شده است، درخت‌کاری شده و عملیات نگهداری و رسیدگی به آن به‌صورت مستمر انجام می‌شود؛ همچنین بخش دیگری از زمین که در مالکیت اشخاص قرار دارد، به‌منظور جلوگیری از ورود خودروها، پیشگیری از ایجاد مزاحمت و حفظ نظم شهری، مطابق ماده ۱۱۰ قانون شهرداری‌ها با نصب نیوجرسی مسدود شده است.

علاوه بر این، با توجه به وجود دیوار در معرض ریزش، به‌منظور حفظ ایمنی شهروندان، مطابق بند ۱۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها، عملیات رفع خطر و تخریب دیوار نالایم انجام



مستمر در دستور کار شهرداری منطقه قرار دارد. در محدوده حدفاصل مسجد الغفور تا مادی مرغاب، به منظور جلوگیری از ورود موتورسیکلت به پیاده‌رو، موانع فیزیکی مناسب نصب شده است؛ همچنین نسبت به واحدهای صنفی که با استقرار موتورسیکلت یا سایر اقلام در پیاده‌رو موجب سد معبر می‌شوند، به‌صورت روزانه بازدید انجام شده و ضمن ارائه تذکر، در موارد تخلف خطاریه قانونی صادر می‌شود.

در صورت استمرار تخلف نیز پرونده جهت طی مراحل قانونی و اعمال اقدامات بعدی، از جمله پلمب واحد صنفی، به مراجع ذی‌صلاح ارجاع خواهد شد.

پله برقی خیابان سروش خیلی وقته بسته است. علتش چیست؟ چون برای رفت‌وآمد مردم اذیت می‌شوند.

شایان ذکر است پله‌های مکانیزه سطح شهر به‌صورت مستمر تحت تعمیر، نگهداری و پایش قرار دارند و قطعات مصرفی آن‌ها به‌طور دوره‌ای بررسی و در صورت نیاز تعویض می‌شود. موضوع تأمین قطعات مورد نیاز این پل نیز در دست پیگیری بوده و پس از دریافت قطعات، در کوتاه‌ترین زمان ممکن نسبت به راه‌اندازی مجدد آن اقدام خواهد شد.

مساحت بوستان، در حال حاضر امکان جانمایی تجهیزات بازی بیشتر وجود ندارد.

در خصوص سرویس بهداشتی نیز با توجه به مجاورت بوستان با مسجد الغفور، امکان استفاده شهروندان از سرویس بهداشتی این مسجد فراهم است؛ همچنین وضعیت کف‌پوش و تجهیزات بازی بوستان به‌صورت مستمر موردپایش قرار می‌گیرد و در صورت نیاز، تعمیر، بهسازی یا تعویض آن‌ها در چارچوب برنامه‌های نگهداری و اعتبارات مصوب انجام خواهد شد.

پله برقی پل عابر پیاده خیابان سروش به دلیل نیاز به تأمین و تعویض برخی قطعات از مدار بهره‌برداری خارج شده است.

با توجه به مسائل و شرایط اخیر کشور، فرآیند تأمین قطعات موردنیاز با تأخیر مواجه شد و به همین دلیل راه‌اندازی مجدد آن تاکنون میسر نشده است.

مغازه‌های موتورفروشی در خیابان سروش باعث سد معبر پیاده‌روها شده‌اند و در این خصوص حقوق عابر پیاده رعایت نمی‌شود. آیا راهکاری برای رفع این سد معبر در دستور کار دارید؟

بله؛ رفع سد معبر و صیانت از حقوق عابران پیاده در این محور به‌صورت

عدم رعایت حریم راه، بالاتکلیفی و وضعیت نامناسب پیاده‌روها از معضلاتی است که در این محله وجود دارد. برای رفع چنین معضلاتی چه راهکاری در دستور کار دارید؟

به‌منظور رفع مشکلات موجود در خیابان عسکریه، از جمله بهبود وضعیت پیاده‌روها و ارتقای ایمنی و روان‌سازی تردد، اجرای طرح تعریض این خیابان در برنامه عمرانی سال جاری شهرداری منطقه قرار گرفته است.

در حال حاضر، مراحل اداری پروژه انجام شده و موضوع جهت انتخاب پیمانکار و آغاز عملیات اجرایی به معاونت عمران شهرداری ارجاع شده است. اجرای این طرح ضمن سامان‌دهی پیاده‌روها، در بهبود وضعیت حریم معبر و رفع بخشی از مشکلات موجود در این محور نیز مؤثر خواهد بود.

بوستان خیابان سروش فاقد سرویس بهداشتی است و وسایل بازی کودکان بسیار محدود و بی‌کیفیت است؛ چنانکه کف‌پوش فضای بازی فرسوده و ناایمن شده. آیا برای سامان‌دهی این مجموعه برنامه دارید؟

بوستان پاییز دارای یک مجموعه وسایل بازی کودکان، تجهیزات حرکت‌درمانی و آب‌خوری بوده و با توجه به محدودیت

شده است. در خصوص مادی مرغاب نیز وضعیت این محدوده به‌صورت مستمر توسط واحدهای ذی‌ربط پایش می‌شود و در صورت مشاهده هرگونه نارسایی، اقدامات لازم برای بهسازی، نظافت و رفع مشکلات احتمالی در چارچوب وظایف قانونی شهرداری انجام خواهد شد.

جایگاه نامناسب تیربوق در خیابان مرغاب و در مسیر مردم باعث گلایه ساکنان شده است. در این خصوص پاسخ شما چیست؟

در پی درخواست‌ها و گلایه‌های شهروندان در خصوص استقرار نامناسب تیر برق در خیابان مرغاب و ایجاد مزاحمت برای تردد عابران، موضوع توسط شهرداری منطقه موردبررسی قرار گرفته است.

در همین راستا، مکاتبات و پیگیری‌های لازم با اداره توزیع برق برای جابه‌جایی تیر برق مذکور انجام شده و موضوع در دست پیگیری است. با توجه به اینکه جابه‌جایی تأسیسات برق در حیطه وظایف و اختیارات شرکت توزیع برق قرار دارد، پس از تأمین شرایط فنی و اجرای عملیات توسط آن دستگاه، نسبت به رفع مشکل اقدام خواهد شد.

وضعیت برخی ساختمان‌ها در پیاده‌روهای خیابان عسکریه،

وقتی مسجد، زمین بازی زندگی می‌شود

گفت‌وگو با محمد مهدی صالحیون، ورزشکار محله عسکریه



فعالیت فرهنگی در کنار ورزش

صالحیون سال‌ها مسئول فرهنگی مسجد و مسئول حلقه‌های صالحین بوده و تا سال گذشته برگزاری مسابقات مختلف ورزشی ازجمله فوتبال، فوتسال، والیبال، دарт و برنامه‌های آموزشی و فرهنگی مسجدالغفور را بر عهده داشته و اکنون این مسئولیت‌ها را به نسل جوان‌تر سپرده است. او معتقد است پایگاه‌های فرهنگی ظرفیت بسیار بالایی برای جذب نوجوانان دارند؛ اما برای اثرگذاری بیشتر پایگاه‌های فرهنگی و مساجد، به حمایت و بودجه مناسب نیازمندند.

خاطره‌ای ماندگار

صالحیون به یکی از شیرین‌ترین خاطرات خود اشاره می‌کند و می‌گوید: «در مسابقه فینال، گروه بچه‌های مسجد با نتیجه یک بر صفر جلو بود. بچه‌ها تحت‌فشار زیادی بودند و گروه مقابل مرتب حمله می‌کرد. قرار شد چند دقیقه آخر، بچه‌ها برای حفظ نتیجه بازی فقط دفاع کنند. آن‌ها باید فقط در زمین خودی دفاع می‌کردند؛ حتی اگر کارت زرد می‌گرفتند. لحظات به‌یادماندنی بود. بازی، بیشتر شبیه بازی کشتی شده بود تا فوتبال؛ اما بالاخره با حفظ نتیجه یک بر صفر، جام قهرمانی را بالای سرشان بردند.»

مسجد؛ بستری برای رشد نوجوانان

این ورزشکار محله عسکریه، مهم‌ترین عامل موفقیت خود را حضور در فضای مسجد می‌داند. به اعتقاد او، مسجد تنها محل عبادت نیست؛ بلکه محیطی برای تربیت، مسئولیت‌پذیری و دورماندن نوجوانان از آسیب‌های اجتماعی است. او می‌گوید که تجربه نسل خودش نشان داده نوجوانانی که از کودکی با مسجد، بسیج و کانون‌های فرهنگی ارتباط داشته‌اند، کمتر در معرض آسیب‌هایی مانند گرایش به دکانیات و ناهنجاری‌های اجتماعی قرارگرفته‌اند؛ به همین دلیل از خانواده‌ها می‌خواهد فرزندان‌شان را از همان سال‌های نخست زندگی با این فضاها آشنا کنند.

صالحیون تا سال سوم دبیرستان عضو گروه فوتسال زهرائیان بود و همراه این گروه موفق به کسب مقام‌های استانی شد. سپس در گروه فوتبال ستارگان زاگرس توانست همراه هم‌تیمی‌هایش از رقابت‌های استانی به مسابقات کشوری صعود کند و افتخاراتی مانند قهرمانی، نایب‌قهرمانی و مقام نخست جام شهرداری را به دست آورد. او تا بیست‌سالگی فوتبال را ادامه داد؛ اما پس از ورود به رشته تربیت بدنی دانشگاه آزاد خوراسگان، تصمیم گرفت بیشتر بر تحصیل و مربیگری تمرکز کند. امروز نیز تأسیس یک باشگاه فوتسال و فعالیت حرفه‌ای در عرصه مربیگری یکی از اهداف آینده اوست.

ورزش برای برخی تنها رقابت و کسب مدال نیست؛ مسیری است برای ساختن شخصیت، مسئولیت‌پذیری و خدمت به جامعه. محمد مهدی صالحیون، ورزشکار محله عسکریه، ازجمله افرادی است که مسیر زندگی‌اش از زمین‌های فوتبال و فوتسال آغاز شد و به فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی در مسجد رسید. او در گفت‌وگو با «هم‌محله» از سال‌های حضور در ورزش، نقش مسجد در شکل‌گیری شخصیتش و دغدغه‌هایش برای نسل نوجوان سخن گفت.

آغاز مسیر از کوچه‌های محله

محمد مهدی صالحیون، ۲۸ ساله، متولد و بزرگ‌شده کوچه مرغاب در محله عسکریه و فرزند نخست یک خانواده مذهبی است. او می‌گوید علاقه‌اش به ورزش از دوران کودکی شکل گرفت و از ۹سالگی به‌صورت حرفه‌ای وارد فوتسال شد. نخستین تجربه‌های ورزشی او در کنار بچه‌های مسجد و گروه‌های محلی رقم خورد و پس از پایان کلاس پنجم دبستان، فوتسال را به‌صورت دانشگاهی در مجموعه زهرائیان ادامه داد. او در پست هافبک دفاعی و دفاع چپ بازی می‌کرد و پس از چند سال به گروه فوتبال ستارگان زاگرس (پاسارگاد) پیوست و تا اوایل دوران دانشگاه در این گروه حضور داشت.



زهره سادات کاظمی

مقصر ترافیک، بیمارستان نیست

رئیس بیمارستان تخصصی عسکریه به پرسش‌هایی در خصوص ترافیک و امحای پسماندهای بیمارستانی پاسخ می‌دهد



به دنبال پیگیری «هم‌محله» از روابط عمومی بیمارستان عسکریه بابت مشکلاتی مثل ترافیک و امحای پسماند بیمارستانی در نزدیک مناطق مسکونی، این روابط عمومی پاسخی را از زبان دکتر محمدرضا شاه‌ناصر، رئیس بیمارستان تخصصی عسکریه اصفهان، به «هم‌محله» ارائه کرد.

رئیس بیمارستان درباره ترافیک مقابل بیمارستان عسکریه، کمبود پارکینگ و همچنین مشکلات تردد خودروها و یا ورود بیماران و استفاده‌کنندگان از ویلچر به بیمارستان توضیح می‌دهد: «بیمارستان تخصصی عسکریه یکی از مراکز درمانی معتبر و با سابقه در شهر تاریخی و فرهنگی اصفهان است که با بیش از نیم‌قرن فعالیت مستمر، امروز به‌عنوان یکی از مراکز شناخته‌شده درمانی در سطح کشور مطرح است و بسیاری از بیماران از استان‌های مختلف برای دریافت خدمات درمانی به این مرکز مراجعه می‌کنند. خاستگاه این مجموعه، درمانگاه عمومی عسکریه بود که در سال ۱۳۴۵ به همت عالم وارسته و خیر نیک‌اندیش، آیت‌الله زندکرمائی، فقیه، محقق، مجتهد، خطیب و نویسنده، در زمینی به مساحت حدود یک‌هزارمترمربع تأسیس شد. این درمانگاه باهدف خدمت‌رسانی به مردم، به‌ویژه ساکنان مناطق شمالی شهر اصفهان، فعالیت خود را با ارائه خدمات عمومی پزشکی، تزریقات و پانسمان آغاز کرد.»

او در ادامه اضافه می‌کند: «امروزه بیمارستان تخصصی عسکریه با بهره‌گیری از تجهیزات پیشرفته پزشکی، فناوری‌های نوین درمانی، رعایت استانداردهای ملی و بین‌المللی و حضور کادر درمانی مجرب در حوزه‌های پزشکی، پرستاری و پشتیبانی، به یکی از مراکز مهم ارائه خدمات درمانی در استان اصفهان تبدیل شده است. وجود بخش اورژانس فعال، درمانگاه عمومی و کلینیک‌های تخصصی، اتاق‌های عمل پیشرفته، بخش‌های بستری ویژه (VIP) و ارائه طیف گسترده‌ای از خدمات تشخیصی و درمانی، این بیمارستان را به یکی از مراکز مورداعتماد بیماران تبدیل کرده است. بدیهی است با توجه به حجم زیاد مراجعان، موضوع

تأمین فضای مناسب برای پارک خودروها نیز همواره موردتوجه مدیریت بیمارستان بوده. در همین راستا با سرمایه‌گذاری قابل‌توجه، پارکینگ با ظرفیت حدود ۲۸۰ خودرو و مطابق با استانداردهای روز احداث شده که هم‌اکنون مورد بهره‌برداری قرار دارد و بخش قابل‌توجهی از نیاز مراجعان را پوشش می‌دهد.»

شاه‌ناصر معتقد است، بخشی از مشکلات ترافیکی محدوده بیمارستان ناشی از توقف‌های غیرمجاز در حاشیه خیابان و پارک دوبله برخی خودروهاست که طبیعتاً مستلزم نظارت و اعمال قانون از سوی مراجع ذی‌ربط است. در این زمینه هماهنگی مناسبی میان بیمارستان، شهرداری، پلیس راهور و سایر دستگاه‌های مسئول برای سامان‌دهی وضعیت ترافیکی محدوده برقرار شده است.

او همچنین در ادامه تأکید می‌کند: «انتظار می‌رود با تکمیل و بهره‌برداری از ساختمان جدید بیمارستان که در حال احداث است و پیش‌بینی می‌شود طی حدود دو ماه آینده افتتاح شود، بخشی از مشکلات تردد نیز برطرف شود. در این ساختمان یک طبقه اورژانس،

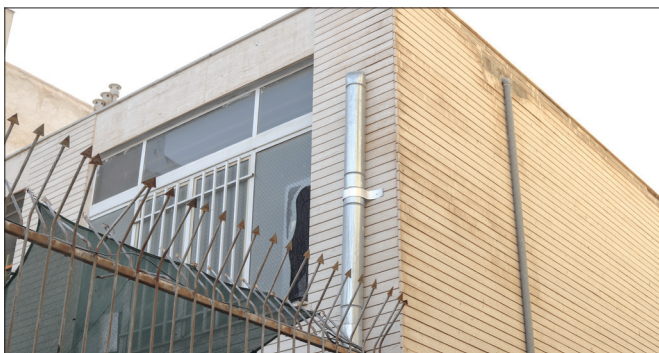
یک طبقه آزمایشگاه و فیزیوتراپی، یک طبقه دندان‌پزشکی، یک طبقه کلینیک تخصصی و یک طبقه بخش اداری طراحی شده است که به‌عنوان فاز تکمیلی بیمارستان تخصصی عسکریه مورد استفاده قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر، با راه‌اندازی رمپ اختصاصی آمبولانس در مقابل بخش اورژانس، امکان انتقال سریع‌تر بیماران اورژانسی و تسهیل در سوار و پیاده شدن آنان فراهم خواهد شد؛ همچنین با بهره‌برداری از شش دستگاه آسانسور ویژه حمل بیمار، تردد بیماران، افراد دارای محدودیت حرکتی و استفاده‌کنندگان از ویلچر یا برانکارد از پارکینگ به طبقات مختلف بیمارستان به شکل چشمگیری تسهیل می‌شود.»

امحای پسماندها بر اساس ضوابط و دستورالعمل‌های مصوب وزارت بهداشت

رئیس بیمارستان درباره نحوه مدیریت و امحای پسماندهای پزشکی بیمارستان در نزدیکی منازل مسکونی محله عسکریه تصریح می‌کند: «مدیریت پسماندهای پزشکی در بیمارستان تخصصی عسکریه

کاملاً بر اساس ضوابط و دستورالعمل‌های مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و مطابق با "دستورالعمل مدیریت اجرایی پسماندهای پزشکی و پسماندهای وابسته" انجام می‌شود. در این فرآیند تمامی مراحل از تفکیک در مبدأ، جمع‌آوری، بسته‌بندی، حمل داخلی، نگهداری موقت، بی‌خطر سازی و دفع نهایی پسماندهای پزشکی با رعایت کامل ملاحظات بهداشتی، زیست‌محیطی و استانداردهای ایمنی صورت می‌گیرد تا از هرگونه اثر نامطلوب بر سلامت عمومی و محیط‌زیست جلوگیری شود.»

او با تأکید بر اینکه این بیمارستان به‌طورمستمر تحت نظارت و ارزیابی نهادهای مسئول از جمله وزارت بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان قرار دارد، اضافه می‌کند: «خوشبختانه بیمارستان تخصصی عسکریه در ارزیابی‌های سالانه اعتباربخشی بیمارستانی نیز همواره موفق به کسب درجه‌یک از سوی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان شده و در زمره مراکز درمانی برتر کشور قرار دارد.»



صاحب امتیاز شرکت فرهنگی، هنری و مطبوعاتی پیام اصفهان‌زیا
 مدیرمسئول دکتر علی قاسم‌زاده
 مدیرعامل احسان تیموری سیجانی
 سردبیر محمد حسین اعترازیان
 دبیر رسانه‌های هم‌محله احمد مهره‌کش
 دبیر ویژه‌نامه محسن حیدری فرد
 عکس کوثر رحیمی

مدیرفنی و گرافیک علیرضا مظاهری
 طراح و صفحه‌آرا علی نصرآزادانی
 دبیر تحریریه ویژه‌نامه زهره سادات کاظمی
 تحریریه زهره قندهاری، منیره فهامی، اکرم کیانی، مریم نقیان، سارا حقیقی
 ویراستار سارا حقیقی

اصفهان‌زیا
هم‌محله



برای دیدن تصاویر بیشتر
 بارکد را اسکن کنید